


بررسی باستان‌شناسی استقرارهای دوره اشکانی حوضه آبریز قره‌چای شهرستان تفرش استان مرکزی

علی نوراللهی^۱  ID

چکیده

بخش مرکزی تفرش به صورت ناحیه‌ای کوهستانی محصور در میان کوه‌ها قرار گرفته است. این منطقه از آنجاکه در کنار شاهراه شمال به جنوب که از حاشیه کویر می‌گذرد در دوران مختلف تاریخی و چه بسا پیشاتاریخی مطمح نظر بوده و به این ناحیه جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. در دوره اشکانی این ناحیه به گمان جزو اولین نواحی بوده که بعد از پیشروی اشکانیان به سمت غرب و در آستانه تصرف ماد مورد توجه گرفت. زیرا این ناحیه صعب‌العبور به صورت قلعه‌ای طبیعی می‌توانست در بحران‌ها، زمینه لازم برای تدارکات و آمادگی‌های نظامی و غیره را فراهم سازد. در این منطقه چندین استقرار و محوطه مربوط به این دوره بررسی و مطالعه شده است. نتایج آن نشان می‌دهد که این محوطه‌ها در کرانه‌های رودخانه قره‌چای و سرشاخه‌های آن و در کناره راه‌های کوهستانی که این ناحیه را به نواحی دیگر متصل کرده یا از این منطقه عبور می‌کنند، ایجاد شده‌اند. مطالعه سفال‌ها در کنار سایر عوامل نیز نشان از ارتباطات فرهنگی و تجاری و اهمیت این منطقه در این تبدلات به‌عنوان حلقه ارتباطی و راهبردی دارد. در مجموع در این مقاله کوشیده‌ام ابتدا به وضعیت دوره اشکانی و جغرافیای تاریخی تفرش از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخی پرداخته و سپس به محوطه‌های متعلق به این دوره که شامل استقرار (روستا) و قلعه می‌شوند و در ادامه به وضعیت تحولات تاریخی دوره اشکانی که این نواحی در آن نقش داشته‌اند و همچنین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و مکان‌یابی محوطه‌ها و تحلیل و مقایسه یافته‌های سطحی و معماری به‌دست آمده پرداخته‌ام.

واژه‌های کلیدی: استقرارهای اشکانی، سفال معمولی، سفال کلبینکی، رودخانه قره‌چای، تفرش، مرکزی.

^۱ دکتری باستان‌شناسی، زنجان، ایران  alinorallahy@yahoo.com

مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۴ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱
استناد: نوراللهی، علی (۱۴۰۱). "بررسی باستان‌شناسی استقرارهای دوره اشکانی حوضه آبریز قره‌چای شهرستان تفرش استان مرکزی"، پژوهشنامه ایران باستان، سال ۱، شماره ۴: ۳-۳۹.

پیشگفتار

و تقریباً همیشه تمام بین‌النهرین را شامل شد. اشکانیان تأثیر بسیار زیادی بر تاریخ ارمنستان و نیز موقتاً بر تاریخ سوریه و آسیای صغیر که هر دو سرگرم جنگ با روم بودند، بر جا نهادند. همچنین در جنگ‌های خود با همسایگان غربی خویش به‌خوبی جلوه کردند و به‌طورکلی در مبارزه با تجاوزها و دست‌اندازی‌های قبایل بیابان‌گرد سکا در شمال شرقی موفق شدند. پایان غافلگیرکننده شاهنشاهی پارتیان، که در تاریخ ایران تقریباً دو برابر طول مدت امپراتوری هخامنشی حکومت کردند، در آغاز قرن سوم میلادی فرا رسید، و این هنگامی بود که یکی از شاهان کوچک پارس به نام اردشیر که بسیار بلندپرواز و آزمندانه جویای قدرت بود، در زمان سلطنت ارتابانوس (اردوان) پارتیان را شکست داد (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

با وجود این، بین ۲۱۰ پم تا ۶۴۰ میلادی دو شاهنشاهی پیاپی پارت - حدود ۲۱۰ پم - ۲۲۵ میلادی و ساسانی حدود ۲۲۵ میلادی - ۶۴۰ میلادی در بلندی‌های ایران استقرار یافتند و سرانجام بیشتر بخش‌های جنوب غرب آسیا را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی خود درآوردند (ونکه، ۱۳۸۱: ۴۹۷).

بازسازی‌های تاریخ و فرهنگ پارت و ساسانی با تکیه بر مدارک باستان‌شناختی و مستند است ولی هر دو کیفیت بسیار متفاوتی دارند. در حفاری‌های اوایل این قرن، در بسیاری از محوطه‌های مهم همچون شوش، کیش، اوروک، هترا، بابل و نیبور، باستان‌شناسان به زیستگاه‌های پارت و ساسانی برخوردند. با این حال در بیشتر موارد، هدف‌های پژوهش کشف زیستگاه‌های قدیمی‌تر بوده و اغلب لایه‌های پارت و ساسانی با بی‌دقتی از میان برداشته می‌شد و کمترین تحلیلی روی آنها انجام نمی‌گرفت (همان، ۱۳۸۱: ۴۹۹). اما در این میان برخی از زیستگاه‌های پارت و ساسانی در غرب و جنوب ایران به‌طور

آگاهی ما درباره آغاز فرمانروایی اشکانیان ناچیز و نابسنده و عمدتاً متکی به‌گواهی منابع غربی متأخر است. نویسندگانی نظیر تروگوس، ژوستین، استرابو و آریان در حیرت بوده‌اند که چگونه سلسله‌ای توانسته با آغازی ضعیف به قدرت دست یابد و تبدیل به هم‌وردی هولناک برای امپراتوری روم شود (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۱۶۷). در تواریخ ملی ایران نیز از خداینامه گرفته تا شاهنامه فردوسی، تاریخ طولانی و با عظمت و درخشان اشکانیان (پارتیان) به‌دست فراموشی سپرده شده و مطلب قابل توجه و درستی از ایشان نقل نشده است، و آنچه را که در تواریخ مورخان اسلام از آنها یاد شده از مرز داستان و افسانه تجاوز نمی‌کند. حتی در شاهنامه فردوسی که گنجینه‌ای از داستان‌های پیشینیان است مطالبی که درباره اشکانیان است از ۲۳ بیت نمی‌گذرد. چون مدرک فردوسی درباره تاریخ آن سلسله، خداینامه و یا ترجمه‌های عربی و فارسی آن بوده، و به بی‌اطلاعی خود در آن باره اعتراف کرده و می‌گوید: از ایشان بجز نام نشینده‌ام نه در نامه خسروان دیده‌ام (فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۱۳۹).

دوره حکومت ۴۸۰ ساله اشکانیان در منابع پهلوی و اسلامی به ۲۰۰ سال رسیده است (کالج، ۱۳۸۰: ۱). با مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پم، غرب ایران و کل جنوب غرب آسیا دچار گسستگی و درگیری سیاسی شد (ونکه، ۱۳۸۱: ۴۹۷). شاهان اشکانی پس از اشک، بنیانگذار سلسله آنها، یا پارتیان بنابر نام منطقه پارت، نخستین مرکز آنها در ایران، از حدود سال ۱۴۰ پم بر امپراتوری عظیم چندفرهنگی و چندقومی سلطنت کردند. اینان که در نبردهای خود علیه سلوکیان و متحدان آنها شکست می‌خوردند، ابعاد امپراتوریشان به وسعت شاهنشاهی هخامنشیان و سلوکیان اولیه نرسید، منتهی بخش اعظم ایران

اقتصادی و سیاسی این امپراتوری‌ها دقیق نیست و ناسازگاری‌های بی‌شمار و نادرستی‌های آشکاری در آنها وجود دارد. با این حال، آنها اطلاعات گسترده‌ای در زمینه راهبردهای سیاسی، نظام‌های مالیاتی، جانشینی شاهان، آیین‌های مذهبی و بهره‌کشی‌های (فرضی) پادشاهان به دست می‌دهند (همان ۱۳۸۱: ۵۰۰-۵۰۱).

چنانچه استرابو این منطقه را جزو ماد بزرگ دانسته و نوشته است: ماد بزرگ در مشرق با پارتیا و کوهستان کاسی‌ها محدود می‌شود (استرابو ۵۰: ۱۳۸۱). در دوره اشکانی و ساسانی سرزمین ایران به چندین ناحیه تقسیم شده بود که هر کدام از این نواحی چندین استان را در برمی‌گرفت و هر بخش را سپهدی خاص اداره می‌کرد. کوره خوربران یا جبال که مشتمل بر بخش غربی ایران بود، در این دوران، اولین بخش این ناحیه به شمار می‌رفت. البته در این مورد مورخان و جغرافی‌دانان اشتراک نظر چندانی ندارند زیرا برخی از این نویسندگان اسامی برخی از شهرها را جزو یک بخش و دیگری را جزو بخش دیگر محسوب کرده‌اند (بنگرید به حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۱-۱۴۲؛ یعقوبی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۲۱۸-۲۱۹؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴؛ کریستین‌سن، ۱۳۸۵: ۱۲۲؛ مازکوارت، ۱۳۷۲: ۳۷-۳۹) به‌هررو این ناحیه در دوره اشکانی جزو ایالت کوهستان به شمار می‌رفته است.

شهرستان تفرش واقع در استان مرکزی در داخل حوزه آبریز آب‌کمر به ارتفاع ۱۹۰۰ متر از سطح دریای آزاد واقع است و از طریق رشته کوه مرکزی ایران از سمت شرق، جنوب و غرب محصور بوده و با شیب تندی به دره پر آب قره‌چای ختم می‌شود. از سمت شمال: کوه‌های قشلاق، خرازان، سیاه کوه کبوران و از مشرق دامنه کوه سینه استن و سرخان از جنوب به کوه‌های منار، نقره‌کمر و کلاسه از مغرب به دامنه کوه رفسا

روشمندی حفاری شده است، از جمله شوش، بیساپور، ایوان کرخه، جندی‌شاپور، تپه یحیی، سیراف، قصر ابونصر، بیستون، قلعه یزدگرد، و شهر قومس. ولی به‌طور کلی مقیاس این حفاری‌ها محدود بود و اساساً هدفشان فازهای استقرار دیگری بود، یا اینکه در محوطه‌های غیرشاخص یا شهری انجام می‌شد. در بیشتر موارد از نمونه‌های حفاری شده برای طبقه‌بندی سفال‌های منطقه‌ای پارت و ساسانی استفاده نشده است.

درواقع بیشتر مدارک باستان‌شناختی ما از حفاری‌ها به‌دست نیامده است بلکه از بررسی‌های روشمندی مناطق زیر یافت شده است: دشت شوشان، دشت ایذه، رامهرمز، دشت دهلران، استان فارس، ساحل خلیج فارس، دشت عراق، کردستان ایران و در شرق مرکز ایران، ناحیه دامغان (نقشه ۱). در کشورهای آسیای مرکزی نیز محوطه‌های پارت و ساسانی حفاری شده است، ولی انتشار آنها به زبان روسی، تأثیر این پژوهش‌ها را کاسته است.

جز چند استثناء، طبقه‌بندی سفال‌های این نواحی مختلف، آنقدر دقیق نبوده است که امکان تحلیل‌های جدی الگوی زیستگاهی را فراهم سازد. مدارک مکتوب از پارت‌ها و ساسانیان فقط شامل چند متن همزمان است، ولی شمار زیاد سکه و مهر و چندین کتیبه مهم صخره‌ای باقی مانده است. برخی از متن‌های هم‌عصر که به پارت‌ها و ساسانی‌ها اشاره کرده است، در ادبیات یونانی، رومی، ارمنی، عبری یافت شده است. برخی از محققان مانند اسپولر این کم بودن مدارک نوشتاری ساسانیان را به تعدد عرب‌ها و ترک‌ها در از بین بردن این متن‌ها نسبت می‌دهند.

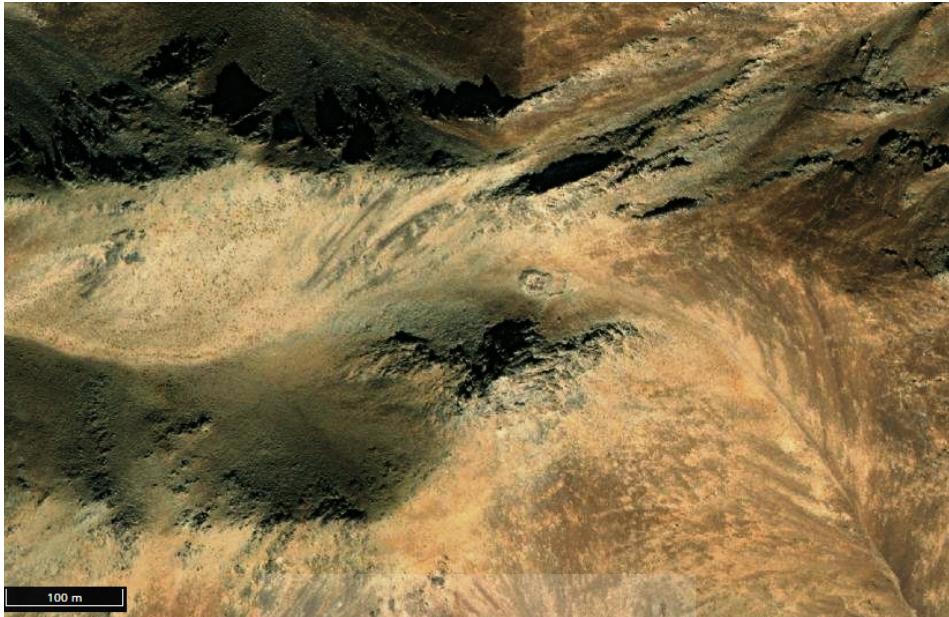
با این حال دقیق‌ترین منابع نوشتاری ما درباره ایران پارت و ساسانی را تاریخ‌دانان و جغرافی‌دانان دوران اولیه اسلام نگاشته‌اند. روی هم‌رفته این منابع در بسیاری از جنبه‌های مهم جمعیتی،



تصویر ۱. موقعیت قلعه چال یا دوبرادران

کلایس نیز آتشکده نویس و محوطه نزدیک آن (قلعه نویس) در دره برزه و مسیر راه قدیمی قاهان به توس نوذر و تفرش را در سال ۱۹۹۴ را بررسی کرد (Kleiss, 1999). برای اولین بار بخش علیای تفرش (شامل بخش فراهان) در سال ۱۳۷۶ را خسرو پوربخشنده بررسی باستان‌شناسی کرد (پوربخشنده، ۱۳۷۶). نگارنده نیز در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ این شهرستان را جهت شناسایی محوطه‌ها و آثار باستانی و همچنین پر کردن خلاء پژوهش‌های باستان‌شناسی و در راستای تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور بررسی کرد که تاکنون برخی از نتایج آن منتشر شده است (نوراللهی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، ۱۳۹۱، ۱۳۹۵ الف، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ الف و ب؛ نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵). طی این بررسی ۸۳ محوطه شناسایی و بررسی شد. در میان آنها ۱۲ محوطه دارای سفال‌های کلینکی شاخص دوره اشکانی شناسایی شد که در این نوشتار به آنها پرداخته می‌شود، هرچند محوطه‌ها و استقرارهای متعلق به این دوره بیشتر از این تعداد است.

و کوه دو برادران و امجک محدود می‌شود، در این قسمت رودخانه دائمی جریان ندارد و تنها مسیل‌هایی جاری است که منشاء رودخانه‌های قره‌چای، قمرود هستند. یکی از این مسیل‌ها به نام آب‌کمر از میان شهر بین دو قسمت فم و ترخوران (تلخوران) می‌گذرد به رودخانه قره‌چای می‌ریزد که از غرب وارد دهستان رودبار می‌شود و پس از گذر دره‌های کوهستانی غرب و بخش شمالی شهرستان تفرش به قمرود می‌پیوندد. از دید توپوگرافی شیب زمین از طرف جنوب به مرکز و از مرکز به طرف شمال غربی است. از شرق با قم، جنوب و جنوب شرقی با فراهان و آشتیان و در شمال و شمال غرب با ساوه و در غرب با کمیجان همجوار است. این شهرستان مانند سایر قسمت‌های استان مرکزی دیر مورد بررسی قرار گرفت. اولین بار در ۱۳۲۷ هـ.ق/۱۲۸۸ هـ.ش. عبدالحسین آیتی (۱۲۴۹-۱۳۳۲ ش.) به خاکبرداری در قلعه توس نوذر پرداخت که در کتاب هگویی ایران (نخستین پرواز بشر) شرح آن را آورده است (آیتی، ۱۳۲۱: ۸۰-۸۱). ولفرام



تصویر ۲. عکس هوایی از قلعه چال

قلعه چال یا دوبرادران

این قلعه در بالای یکی از ارتفاعات کوهپناه به نام دوبرادران و در ارتفاع ۲۹۰۵ متری در حد فاصل فضای ناودیسی دو قله دوبرادران که از همدیگر ۱۵۰ متر فاصله دارند، واقع است. قلعه به صورت مستطیل شکل به ابعاد ۴۵ متر طول و ۲۲ متر عرض در جهت شرقی- غربی ساخته شده است و دارای دو بخش است. بخش شرقی که شامل یک حیاط یا فضای محصور به ابعاد ۱۹/۵ متر طول و عرض حدود ۲۲ متر است. بخش غربی، در واقع بخش اصلی و سکونتگاهی قلعه در داخل دیواری است که با دالانی به عرض یک تا ۱/۵ متر از دیوار بیرونی قلعه جدا می‌شود. این بخش ۱۸ متر عرض و ۱۸ متر طول دارد (اندازه با احتساب دیوارها). بخش غربی ۸ فضا دارد که به علت درهم‌ریختگی دیوارها به سختی قابل شناسایی هستند که به نظر می‌رسد این فضاها با دالان یا راهرو یا مستقیم به هم مرتبط بوده‌اند. این فضاها

به احتمال شامل انبار آذوقه و نیز استراحتگاه و آشپزخانه بوده است. ورودی این فضاهای قلعه در بخش میانی دیواره غربی با عرض حدود بین ۲/۵ تا ۳ متر ایجاد شده است. مصالح اصلی این قلعه از لاشه‌سنگ خشکه‌چین و در بخشی از جاها از ملات گل و گچ است که در خود محل ساخت سازه و نزدیک آن در دسترس بوده است. علاوه بر دیواره بیرونی که از لاشه‌سنگ خشکه‌چین به عرض ۱/۵ تا ۲ متر کل سازه‌های داخلی را دربر می‌گرفته است، در روی دو قله کوه که در شمال و جنوب آن قرار دارند بقایای برج‌هایی وجود دارد که در واقع دیده‌بانی و وظیفه آگاه‌سازی قلعه‌نشینان هنگام خطر و نظارت بر راهی که از فراهان به طاران تفرش می‌رود را بر عهده داشته‌اند (تصویر ۱-۲).

در زمستان‌ها با توجه به برف‌گیر بودن این کوه، قلعه‌نشینان آب مورد نیاز خود را از آب کردن برف‌ها و در سایر مواقع سال احتمال از دو چشمه



تصویر ۳. پیکان‌ها و اشیاء مفرغی قلعه چال (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷).

که یکی در حدود ۱ کیلومتری غرب آن و دیگری در حدود ۷۰۰ متری در دره شرقی آن است (آب این چشمه پرآب به سد خاکی زاغرم می‌ریزد)، تأمین می‌کرده‌اند.^۱ این قلعه در دوره فتحعلی شاه قاجار توسط مردمان فراهان که در برابر قاجارها از سال ۱۲۲۳ ه.ق تا ۱۲۳۰ ه.ق سر به شورش برداشته بودند، دوباره با مصالح لاشه‌سنگ خشکه‌چین بازسازی و مورد استفاده قرار گرفت. این شورش با سرکوبی مردم و انهدام کامل شهر زلف‌آباد پایان یافت (بنگرید به گاردان، ۱۳۶۲: ۱۲۱-۱۲۲؛ لسان‌الملک سپهر، ج ۱، ۱۳۷۷: ۲۶۷-۲۶۸).

که یکی در حدود ۱ کیلومتری غرب آن و دیگری در حدود ۷۰۰ متری در دره شرقی آن است (آب این چشمه پرآب به سد خاکی زاغرم می‌ریزد)، تأمین می‌کرده‌اند.^۱ این قلعه در دوره فتحعلی شاه قاجار توسط مردمان فراهان که در برابر قاجارها از سال ۱۲۲۳ ه.ق تا ۱۲۳۰ ه.ق سر به شورش برداشته بودند، دوباره با مصالح لاشه‌سنگ خشکه‌چین بازسازی و مورد استفاده قرار گرفت. این شورش با سرکوبی مردم و انهدام کامل شهر زلف‌آباد پایان یافت (بنگرید به گاردان، ۱۳۶۲: ۱۲۱-۱۲۲؛ لسان‌الملک سپهر، ج ۱، ۱۳۷۷: ۲۶۷-۲۶۸).

تولک تپه‌سی

تورک تپه‌سی یا تولک تپه‌سی^۲ در کناره شرقی راه قدیمی مالروی دهستان کوهپناه به فراهان قرار دارد. این محوطه ۱۵۰ متر طول و ۱۲۰ متر عرض دارد. ارتفاع آن از کف دره ۲۰ متر و شیب آن در قسمت غرب و شمال تند - حدود ۵۰ درجه - است و ارتفاع آن در قسمت جنوب حدود ۵ متر است. در شرق و غرب آن چشمه و مسیل آب جریان دارد و ضلع جنوبی آن که به دامنه شمالی کوه منتهی می‌شود. در شرق آن اتاقکی متعلق به چوپانان وجود دارد و چندین زاغه که به صورت تونل تا عمق زیادی از تپه را سوراخ کرده‌اند، توسط چوپانان جهت نگهداری گوسفندان و احشام حفر شده است که در دیواره قسمت‌های

از این قلعه آثار فرهنگی نظیر قطعات سفالینه ظریف (قطر ۳ میلی‌متر) مربوط به انواع ظروف آشپزخانه‌ای نظیر کوزه‌ها، کاسه‌ها، بشقاب‌ها دیده شد که این سفال‌ها همگی از نوع ساده و به رنگ نارنجی است. علاوه بر پراکندگی قطعات سفال، سر پیکان‌های مفرغی در اندازه و شکل‌های مختلف، مهره مفرغی، زنگوله مفرغی و پیکرک مفرغی به شکل قوچ از آثار به‌دست آمده است (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷: ۵۱) (تصویر ۳). این پیکان‌های مفرغی از دوره هخامنشی تا اواسط دوره ساسانی رایج بوده‌اند (Muscarel-

^۱ از کنار این دو چشمه تا قلعه راه‌هایی وجود دارد و دسترسی به قلعه از این راه‌ها بوده است.

^۲ به معنی تپه روباه.



تصویر ۴. موقعیت تولک تپه‌سی و راه‌های قدیمی اطراف آن

حفر شده آثار دیوار خشتی و رگه‌های آن دیده می‌شود (تصویر ۴-۵).
 یافته‌های سطحی شامل لبه، بدنه سفالی است. لبه‌ها شامل لبه‌های برگشته به داخل که تا حدودی ظرف شکم پیدا کرده است و لبه‌های برگشته به خارج با بدنه شکم‌دار و قطعات سفالی خشن متعلق به خمره‌های بزرگ ذخیره، با آمیزه شن و خمیره نخودی و تزئینات نقش افزوده طنابی است و قطعات سفالی مربوط به ظروف دسته‌دار که یک نمونه آن بالای دسته (قسمتی که انگشت شصت در آنجا قرار می‌گیرد) سوراخ شده است. در برخی نمونه‌ها آثار صیقل دادن ظرف مشاهده می‌شود. بقایای معماری خشتی با ملات کاهگل شامل خشت‌هایی به اندازه‌های $۴۹ \times ۲۶ \times ۱۰$ - ۴۸ ؛ $۴۹ \times ۱۴ \times ۱۰$ ؛ $۴۰ \times ۲۰ \times ۱۰$ ؛ $۴۰ \times ۲۶ \times ۱۰$ ؛ $۳۸ \times ۳۸ \times ۱۰$ سانتی‌متر است که نشان می‌دهد تولک تپه‌سی به احتمال یک سازه خشتی بسیار

بزرگی بوده است (تصویر ۶-۸).
 بزرگ‌ترین تخریب این تپه مربوط به ۳ زاغه نگهداری گوسفندان است که در شرق آن حفر شده، به طوری که تونل‌هایی به عمق حدود ۱۰ متر در دل تپه ایجاد کرده‌اند.

تپه دادقان

تپه دادقان در $۲/۵$ کیلومتری شمال غرب روستای مشهد بازرگان و $۱/۵$ کیلومتری جنوب روستای دادقان واقع شده است. تپه دادقان به صورت بلندی تقریباً مستطیل-بیضی شکل است، امروزه بخش‌های شمالی آن توسط کشاورزان تسطیح و خاک آن برداشت شده و در غرب آن مسیل وجود دارد که آن را از بخش غربی جدا کرده است. بخش غربی آن ۶۴ متر طول و ۵۵ متر عرض دارد رودخانه بازرگان (آب کمر) که به رودخانه قره‌چای می‌ریزد در ۵۰ متری جنوب آن جاری



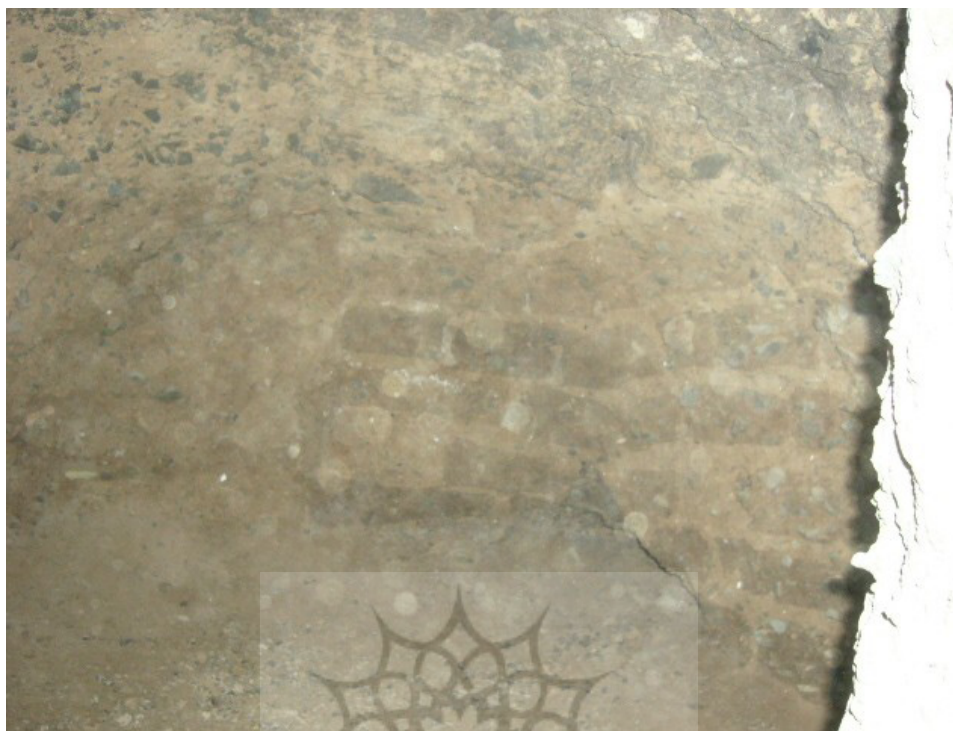
تصویر ۵. نمایی از محوطه تولک تپه‌سی و زاغه‌های کنده شده در آن



تصویر ۶. نمایی از دیواره سازه خشتی داخل زاغه کنده شده

شیب این تپه در قسمت شمالی، شرقی و غربی ملایم و در قسمت جنوب با شیب تندتری به رودخانه بازرگان منتهی می‌شود. در ۵۰۰ متری جنوب شرق این محوطه دو تپه کوچک بیضی شکل (A,B) به ابعاد ۲۷×۴۶ و ۳۲×۵۵ متر با ۱۵ متر فاصله از هم وجود دارند. هنگام بررسی این

است. روی تپه و اطراف آن آثار سفال‌های شکسته به صورت پراکنده دیده می‌شود. بخش شرقی این محوطه دارای ۱۵۰ متر طول ضلع شمالی-جنوبی (با بخش‌های تسطیح شده) و ۲۵۰ متر شرقی-غربی و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۷ متر و از سطح رودخانه ۱۱ متر است.



تصویر ۷. روش چینش خشت‌های سازه با ملات کاهگل



تصویر ۸. سفال‌های سطحی تولک تپه‌سی



تصویر ۹. نمای هوایی تپه دادقان و دو محوطه نزدیک آن

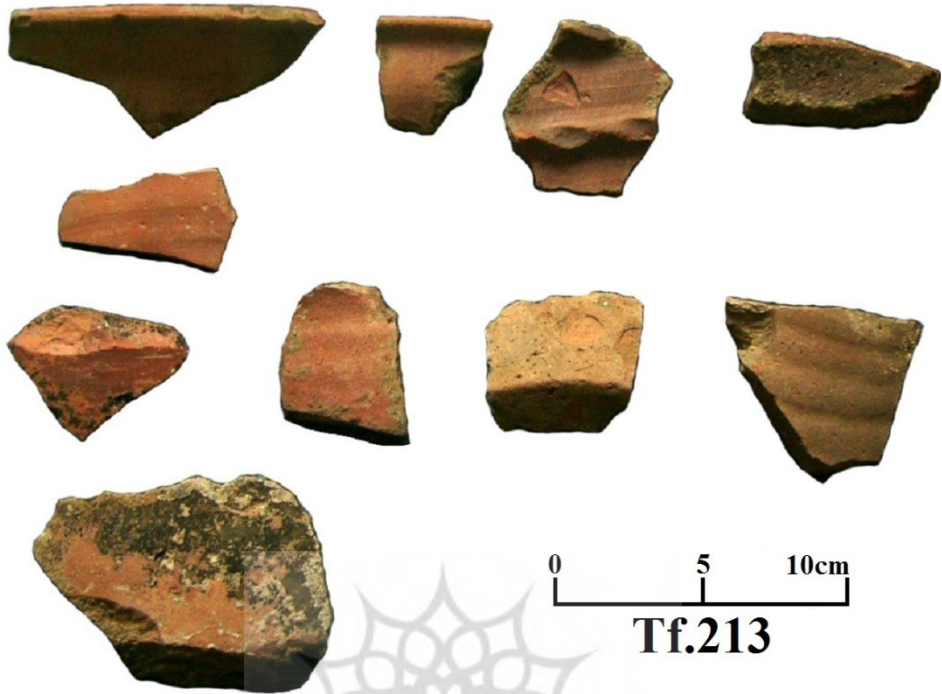


تصویر ۱۰. نمای از تپه دادقان از شمال

چرخ سازند که حرارت برای پخت آنها کافی بوده و دارای تزئین نقش افزوده طنابی و نقش خیاری است. سفال‌های کلینکی که گل آنها خوب ورز داده شده و صیقلی است. بر تپه آثار لاشه سنگ و قلوه سنگ به صورت پراکنده دیده می‌شود - که به احتمال متعلق به آثار معماری است که از بین

دو محوطه کوچک آثاری سفالی از آنها به دست نیامد. ولی شواهد نشان می‌داد که طبیعی نیستند و به احتمال مربوط به بناهایی در ارتباط با محوطه دادقان است (تصویر ۹-۱۰).

داده‌های سطحی شامل سفال‌های ساده و کلینکی با خمیره نخودی، تمپر ماسه نرم که همگی



تصویر ۱۱. سفال‌های سطحی تپه دادقان

سطح محوطه آثار سفالی ظریف و خشن متعلق به خمره‌های ذخیره و آسیاب سنگی بزرگ دیده می‌شود. به احتمال بخش‌های زیادی از استقرار در زیر زمین‌های کشاورزی قرار دارد. سفال‌های این محوطه شامل سفال‌های خشن با تمپر ماسه که حرارت برای پخت آنها کافی بوده به صورتی که مغز سفال‌ها به رنگ نارنجی درآمده است و سفال‌های با خمیره کرم و قطعات زیادی سرباره کوره (جوش کوره) در سطح تپه و قطعاتی از سفال‌های کلینکی (اشکانی) است. این سفال‌ها چرخ‌ساز و برخی بال‌عاب گلی غلیظ و با تزئینات نقش افزوده طنابی هستند. نیز در سطح محوطه آسیاب سنگی به دست آمد که جهت خردکردن غلات از آنها استفاده می‌شده است، وجود سنگ‌های رودخانه‌ای و لاشه‌سنگ‌های پراکنده در سطح محوطه و اطراف آن شاید مربوط به

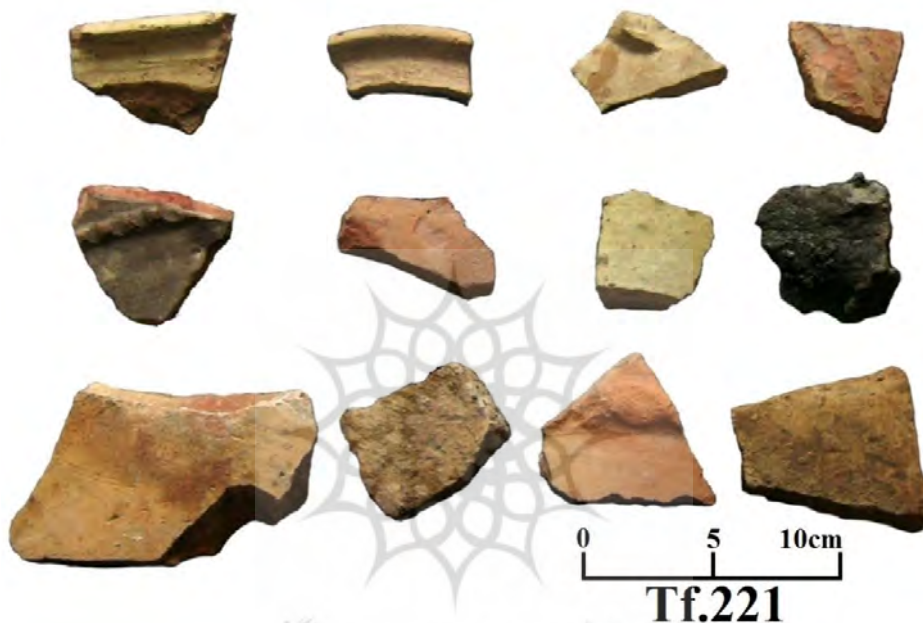
رفته است- همچنین قطعات متعددی از آسیاب سنگی که جهت خرد کردن غلات کاربرد داشته در سطح محوطه به صورت پراکنده وجود دارد (تصویر ۱۱).

تپه باغ عرب

تپه باغ عرب در میان زمین‌های کشاورزی و کنار جاده خاکی روستای باغ عرب واقع شده است. این محوطه در ۳ کیلومتری شرق روستای ثمر دشت به صورت تپه‌ای کم ارتفاع دیده می‌شود که در قسمت‌های سطحی آن آثار حفاری غیرمجاز دیده می‌شود و رودخانه قره‌چای از ۳۰۰ متری جنوب آن به سمت شرق در جریان است. این محوطه ۷۰ متر طول و ۶۰ متر عرض دارد که از سطح زمین‌های کشاورزی ۱/۵ متر ارتفاع دارد (تصویر ۱۲). این محوطه دارای وسعت کمی است. همچنین در میان زمین‌های کشاورزی و



تصویر ۱۲. نمای تپه باغ عرب از شمال



تصویر ۱۳. سفال‌های سطحی تپه باغ عرب



تصویر ۱۴. آسیاب سنگی در میان زمین‌های کشاورزی اطراف تپه باغ عرب

محوطه کوره
محوطه کوره در ۲ کیلومتری شرق روستای کوره دهستان رودبار در میان زمین‌های کشاورزی و در جنوب جاده خاکی به صورت یک محوطه مربع

آثار و پی بناهایی باشند که در اثر فعالیت‌های کشاورزی تخریب شده‌اند. این محوطه با توجه به یافته‌های سطحی و سفال‌های کلینکی مربوطه به دوره اشکانی است (تصویر ۱۳-۱۴).



تصویر ۱۵. نمای هوایی محوطه کوره



تصویر ۱۶. نمای از محوطه کوره از غرب

گرفته است. از طرف دیگر می‌توان گفت که این محوطه از برخورد دامنه ملایم تپه‌ماهورهای اطراف به وجود آمده که اکثراً دارای بستری سنگلاخی و سنگ‌ریزه‌ای است. بر بخش بلند آن که به صورت پرتگاهی بر رودخانه قره‌چای منتهی می‌شود تعدادی ابزار سنگی به دست آمد (تصویر ۱۵-۱۶).

در بررسی سطحی تعدادی ابزار سنگی

مانند که از شرق و غرب با تپه‌ماهورها احاطه شده، قرار دارد و رودخانه قره‌چای که در جهت غرب به شرق جریان دارد از جنوب و غرب آن می‌گذرد. این محوطه ۲۰۰ متر طول و ۱۶۰ متر عرض دارد که حدود ۳/۵ هکتار وسعت دارد و در یک شیب ملایم واقع شده و ارتفاع آن نسبت به جاده خاکی حدود ۰/۵ متر و در بالاترین نقطه ۱ متر است. این محوطه در بستری آبرفتی شکل



تصویر ۱۷. سفال‌ها و ابزارهای سنگی محوطه کوره

لاشه‌سنگی که توسط کشاورزان جمع‌آوری شده به احتمال متعلق به بقایای معماری باشد که در اثر فعالیت‌های کشاورزی تخریب شده‌اند.

تپه و سمنق کوره

در کرانه غربی رودخانه قره‌چای و در ضلع شمالی روستای و سمنق کوره قرار دارد. این محوطه دارای ۲۰۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض، ارتفاع آن از سطح رودخانه ۱۸ متر و از سطح زمین‌های اطراف ۱۰ متر است. محوطه در ابتدای دره‌ای است که راه، این ناحیه را به روستای فردقان^۱ و همچنین به کمیجان و نواحی اطراف وصل می‌کند. از طرف دیگر در حدود یک کیلومتری شرق آن پل دختر (قیز کورپه‌سی) و میل راهنمای کوره بر رودخانه قره‌چای و کناره آن برای گذر مسافران و کاروان‌ها ایجاد شده است. علاوه بر ارتباطات تجاری در دوره اشکانی و ساسانی زائرانی که قصد زیارت و بازدید از این آتشکده را داشته‌اند از این پل و دره

و چندین سفال شامل لبه، بدنه، دسته و کفه جمع‌آوری شد. فرم این سفال‌ها دربرگیرنده لبه‌های کمی برگشته به خارج و بدنه‌های ساده و تزئین شده با نقش افزوده طنابی و کفه تخت است. سفال‌ها دارای خمیره نخودی، نخودی آجری و سیاه و خاکستری و کرم با تمپر گاه و ماسه که مربوط مربوط به کوزه و خمیره‌های ذخیره و ظروف دهانه باز است که چرخ‌ساز و با حرارت کافی پخته شده‌اند. در بررسی فقط یک قطعه دسته با بخشی از بدنه ظرف سفال کلینکی به دست آمد.

دیگر اشیاء شامل: یک شیء مدور سفالی به قطر ۲ سانتی متر، آسیاب سنگی و ۶ ابزار سنگی که ۴ عدد خردکننده است که در طیفی از سنگ‌های قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای-سبز روشن، سبز مایل به زرد است و یک نمونه که به نظر می‌رسد از آن استفاده نشده است (تصویر ۱۷).

این محوطه تقریباً سالم است. آثار و بقایای

۱ در متن‌های تاریخی فردجان (فردگان) نام دارد که آتشکده مهم فردقان در آن واقع است.



تصویر ۱۸. نمای هوایی تپه وسمق کوره و پی‌های قلعه اربابی در کناره قره‌چای



تصویر ۱۹. نمایی از تپه وسمق کوره

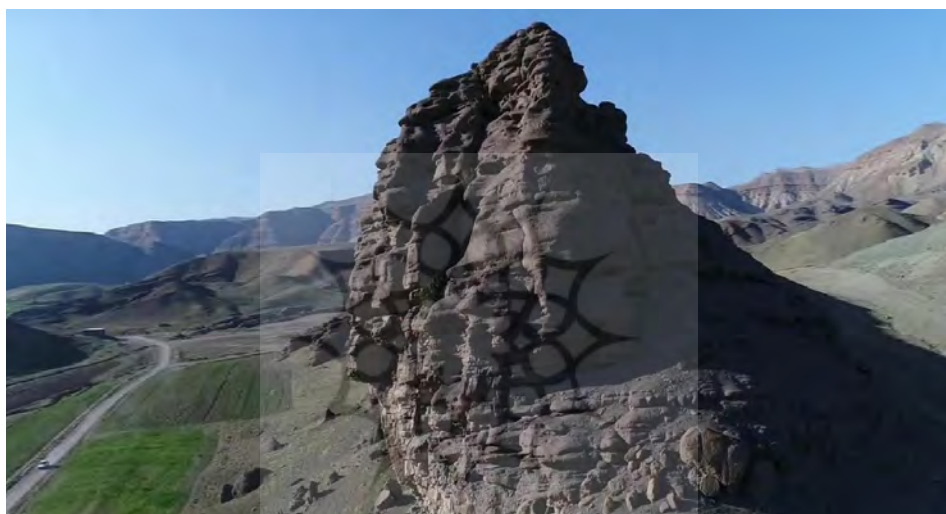
شکل برای دفاع در چهار گوشه بنا ایجاد شده است (تصویر ۱۸-۱۹).

در بررسی سطحی این محوطه سفال‌های دوران تاریخی به همراه سفال‌های لعابدار اسلامی به‌دست آمد. سفال‌های دوره تاریخی شامل سفال‌های با خمیره نخودی و آمیزه ماسه شن است که حرارت برای بخت آنها کافی بوده و چرخ‌سازند و برخی از نمونه‌ها دارای پوشش لعاب گلی غلیظ هستند. سفال‌های اسلامی دارای لعاب سبز و آبی فیروزه‌ای هستند. تزئینات سفال‌ها شامل نقش افزوده طنابی، نواری، زنجیری و نقش

عبور می‌کرده‌اند. پل دختر و میل راهنمای آن که بر پشته‌ای بلند، مشرف بر دره و پل ایجاد شده از چند کیلومتری قابل دیدن بوده و نشان از اهمیت این راه از نظر تجاری و مذهبی دارد (پل و میل کوره به گمان در دوره ساسانی بازسازی شده‌اند). در بخش فوقانی این محوطه آثار پی یک قلعه اربابی وجود دارد که به‌صورت مستطیل شکل با ۵۵ متر طول و عرض ۳۸ متر و در جهت شمالی-جنوبی با لاشه و قلوه‌سنگ و ملات گل ساخته شده است. این بنا دارای اتاق‌های متعدد در اطراف صحن میانی است و چهار برج دایره‌ای



تصویر ۲۰. دورنمای محوطه و قلعه سس فرن قیه و اطراف آن



تصویر ۲۱. نمای نزدیک سس فرن قیه

قلعه و محوطه سس فرن قیه

محوطه سس فرن قیه^۱ در ۵۰۰ متری شرق روستای قره جقیه دهستان رودبار واقع است. این محوطه بر بستری طبیعی شکل گرفته است. قلعه و محوطه در بالا و دامنه جنوبی بلندی صخره‌ای و سینه کش آن واقع شده است و در دیواره جنوبی آن پناهگاه‌های سنگی وجود دارد که سفال‌های نخودی خشن در اطراف آنها پراکنده است. همچنین قطعات بزرگ و کوچک سنگ که از صخره سس فرن قیه جدا شده، تقریباً سطح محوطه را اشغال کرده‌اند. به احتمال از

کنده است. فرم آنها شامل خمیره‌ها، کوزه، کاسه و سفال‌های با کارکرد روزمره است. سفال‌های تاریخی این محوطه مشابه سفال‌های محوطه سس فرن قیه، چارداغ و محوطه کوره و سفال‌های اسلامی نیز مشابه سفال‌های به دست آمده از محوطه آریپچالی روستای قره جقیه است. این محوطه یکی از معدود محوطه‌های بزرگ حوزه رودخانه قره‌چای در محدوده تفرش است که از دوره اشکانی تا دوره قاجار (قلعه اربابی) دارای استقرار است.

۱ به معنی صخره‌ای که صدا را پژواک و انعکاس می‌دهد.



تصویر ۲۲. دامنه محوطه و قلعه سس فرن قبه از جنوب



تصویر ۲۳. دامنه محوطه و قلعه سس فرن قبه از غرب



تصویر ۲۴. سفال‌های
سطحی محوطه و قلعه
سس فرن قبه



تصویر ۲۵. نمای هوایی و راه‌های قدیمی اطراف تپه چارداغ



تصویر ۲۶. نمایی از تپه چارداغ و تصویر ۲۷. آسیاب سنگی در سطح تپه چارداغ

تمپر شن و ماسه است که دربرگیرنده لبه‌های برگشته به خارج و لبه خمیره‌های بزرگ ذخیره غلات که حرارت برای پخت آنها کافی ولی گل آنها به‌خوبی ورز داده نشده است و دارای تزئین نقش افزوده ۱ و ۲ ردیفی طنابی، نواری، موج و کنده روی بدنه سفال‌ها و قطعات بدنه ظروف لعابدار ظریف با لعاب سبز و آبی است که همگی این سفال‌ها دارای خمیره نخودی و حرارت برای

سس‌فرن قبه به‌عنوان یک قلعه دفاعی و پناهگاه استفاده کرده‌اند و نزدیک‌ترین منبع آب به این محوطه رودخانه قره‌چای است که از ۴۰۰ متری جنوب آن می‌گذرد و دید به‌نسبت کاملی نسبت به آن دارد. این محوطه ۳۲۰ متر طول و ۱۲۰ متر عرض دارد و ارتفاع بالاترین نقطه آن از سطح زمین حدود ۴۰ متر است (تصویر ۲۰-۲۳). یافته‌های سطحی شامل سفال‌های نخودی با



تصویر ۲۸. سفال‌های سطحی تپه چارداغ

قیه قرار دارد. این محوطه دارای ۲۰۰ متر طول و ۱۱۰ متر عرض و حدود ۳ هکتار وسعت دارد که ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۵ متر است. مقطع آن بیضی شکل است که به صورت شمالی جنوبی است. شیب این محوطه در غرب تندتر از بقیه نقاط است. رودخانه قره‌چای نزدیک‌ترین منبع آبی است که در حدود ۲۵۰ متری جنوب آن جریان دارد (تصویر ۲۵-۲۶). روی این محوطه و زمین‌های اطراف سفال‌های به صورت پراکنده که اکثر نخودی و خشن است دیده می‌شود. همچنین آسیاب‌های سنگی نیز در سطح این محوطه وجود دارد که به احتمال در جهت آرد کردن و خرد کردن غلات از آنها استفاده می‌شده است (تصویر ۲۷).

پخت آنها کافی بوده و گل آنها خوب ورز داده شده است و بقایای معماری در دامنه این محوطه دیده نمی‌شود، اما در دیواره جنوبی و همچنین بالای صخره بقایای اندکی از دیوارهای ساخته شده از لاشه‌سنگ با ملات گچ نیمکوب قابل مشاهده است. با توجه به یافته‌های سطحی و فرم و تزیینات سفال‌ها این محوطه استقرار مربوط به دوره اشکانی و دوره ساسانی است (تصویر ۲۴).

تپه چارداغ

تپه چارداغ در ۸۰۰ متری شمال غرب روستای قره‌جقیه دهستان رودبار در غربی‌ترین نقطه بخش مرکزی شهرستان تفرش واقع شده است. در فاصله حدود یک ۱/۵ کیلومتری غرب محوطه سس‌فرن

۱ چارداغ به معنی چهار کوه است که چون روستاییان چهار کوه بلند که در اطراف این منطقه است را چهار داغ می‌نامند.



تصویر ۲۹. نمایی از تپه تجره از شمال

ذخیره و لاشه‌سنگ‌های بزرگ و قلوه سنگ‌های زیادی روی این محوطه دیده می‌شود. ارتفاع این محوطه از سطح زمین‌های اطراف ۱۰ متر است که بر این قسمت از رودخانه قره‌چای و پل عزالدین مسلط و اشراف دارد (تصویر ۲۹).

یافته‌های سطحی شامل لبه و بدنه و کفه خمیره‌های ذخیره بزرگ، آشپزخانه‌ای و سفال کلینکی است که اکثر سفال‌های سطحی مربوط به خمیره‌های ذخیره غلات و ظروف آشپزخانه‌ای است که دارای خمیره نخودی با تمپر ماسه و شن است که حرارت پختشان کافی بوده است. اما در بعضی از نمونه‌ها حرارت ناکافی بوده است. سفال‌ها چرخ‌ساز و دارای نقش افزوده نواری و طنابی روی بدنه و زیر لبه است. با توجه به حجم بزرگ خمیره‌های ذخیره، آنها را در انبارها و سازه‌های معماری کار گذاشته‌اند. تخته‌سنگ و لاشه‌سنگ روی دامنه و بالای تپه به احتمال متعلق به آثار معماری بوده که از بین رفته و تخریب شده‌اند (تصویر ۳۰).

قسمت شرق و جنوب شرق تپه تجره به علت فعالیت کارخانه ماسه تقریباً در معرض تخریب قرار دارد. داده‌های سفالی نشان دهنده استقرار در دوره اشکانی و اوایل ساسانی در این محوطه است.

تپه ثمردشت A

تپه ثمردشت A در ضلع شمالی جاده خاکی واقع

یافته‌های سطحی شامل سفال‌های ساده و کلینکی نخودی با تمپر ماسه و شن که حرارت برای پخت آنها کافی بوده و همگی چرخ‌سازند که دربرگیرنده لبه و بدنه است. سفال‌های کلینکی شامل لبه‌های ظریف یا کمی برگشته به بیرون و برگشته به داخل با خمیره یکدست و بافت فشرده که گل آنها خوب ورز داده شده است و همچنین قطعات خشن مربوط به خمیره‌های ذخیره که دارای تزئینات نقش افزوده طنابی است (تصویر ۲۸). بر اثر حفاریات قاچاق و در میان خاک‌های بیرون ریخته سفال‌ها و لاشه‌سنگ‌های زیادی وجود دارد که به احتمال مربوط به دیواره بناهای بوده که تخریب شده‌اند با توجه به سفال‌ها و یافته‌های سطحی این محوطه مربوط به دوره اشکانی است.

تپه تجره (عزالدین)

تپه تجره در ۱/۵ کیلومتری جنوب شرق روستای عزالدین دهستان رودبار قرار دارد که رودخانه قره‌چای با جهت غرب به شرق از ضلع شمالی آن می‌گذرد. تپه تجره در قسمت هموار حاشیه جنوبی رودخانه قره‌چای به صورت بلندی دیده می‌شود که زمین‌های اطراف آن زیر کشت غلات آبی و دیم قرار دارد. این محوطه دارای ۳۵۰ متر طول شمالی-جنوبی و ۱۷۰ متر عرض شرقی-غربی است و در روی و دامنه آن آثار و تکه‌های شکسته سفال‌های خشن متعلق به خمیره‌های



تصویر ۳۰. سفال‌های سطحی به دست آمده از تپه تجره

و سفال‌های با نقش کنده هلالی همراه با نقش افزوده طنابی روی بدنه، این سفال‌ها مربوط به خمره‌های ذخیره است. یافته‌های سطحی به خصوص سفال‌های کلینکی نشان دهنده استقرار مربوط به دوره اشکانی است (تصویر ۳۳).

ثمردشت B

ثمردشت B در غرب ثمر دشت A قرار گرفته است. این محوطه دارای ۱۲۰ متر طول و ۱۰۰ متر عرض و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۶ متر و کمی بزرگ‌تر از تپه ثمر دشت A است (تصویر ۳۴). در اطراف و دامنه این محوطه نیز سفال‌های کلینکی و ساده با خمیره نخودی که حرارت برای پخت آنها کافی بوده و چرخ‌سازند، دسته ظرف و تکه‌های خمره ذخیره به دست آمد. بعضی از سفال‌ها بر اثر حرارت زیاد به رنگ

شده است که به عنوان شعبه‌ای از جاده آسفالته روستای عزالدین جدا شده و به طرف ثمردشت ادامه پیدا می‌کند. تپه ثمردشت A و B به صورت دو تپه دو قلو در ۲ کیلومتری شرق روستای ثمردشت قرار دارند. تپه ثمردشت A ۱۰۰ متر طول و ۹۰ متر عرض دارد که ارتفاع آن از زمین‌های اطراف ۵ متر است. این محوطه دارای پلان دایره‌ای شکل است که در غرب آن مسیل آب با پوشش نیزار به چشم می‌خورد و در شرق آن به فاصله ۲۰۰ متر به کوه‌های تپه ماهوری منتهی می‌شود (تصویر ۳۱-۳۲).

یافته‌های سطحی این محوطه شامل لبه، بدنه و کفه است. فرم لبه برگشته به خارج و بدنه شکم‌دار لبه شکسته به خارج و لبه کمی برگشته، عمودی، با بدنه شکم‌دار که همگی نخودی، دارای تمپر، ماسه نرم و چرخ‌ساز است و همچنین لبه‌های ظریف از نوع سفال‌های کلینکی اشکانی



تصویر ۳۱. سفال‌های سطحی به‌دست آمده از تپه تجره



تصویر ۳۲. نمایی از تپه ثمردشت A

تفرش و در ضلع شمال شرقی روستا به ابعاد ۹۰ متر طول و عرض ۷۰ متر واقع است. این تپه سالم مانده و آثار سفالی اندکی دارد که مشابه محوطه سفیدشبان است (تصویر ۳۶).

محوطه سفیدشبان در ۳ کیلومتری جنوب غرب روستای سفیدشبان و شرق جاده آسفالته فرمهین تفرش، دارای طول ۱۲۰ متر و ۹۵ متر عرض است که ارتفاع آن از زمین‌های اطراف ۲

سبز درآمده‌اند که نشان می‌دهد که این سفال‌ها در خود محل ساخته شده‌اند و یافته‌های سفالی ثمردشت A و B شبیه به هم هستند و در سطح این محوطه نیز آثاری که دال بر وجود معماری باشد، مشاهده نمی‌شود (تصویر ۳۵).

تپه و محوطه سفیدشبان

تپه سفیدشبان در کناره راه مالروی قدیم فراهان به



تصویر ۳۳. سفال‌های به‌دست آمده از ژمردشت A

این نمونه سفال‌ها، دو نمونه سفال با تمپر کاه که دارای لعاب قرمز-نارنجی است به‌دست آمد که هیچ‌کدام شاخص نیستند (تصویر ۳۹). با توجه به سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه، این تپه دارای استقرارهای از دوره مس سنگی میانی و دوره اشکانی است.

دیگر محوطه‌ها

محوطه‌های دیگری از جمله محوطه سرآبادان، قلعه سه‌گوش، توس نوذر، ابره‌در، جلاپر، خرازان، قلعه کهنه‌سی دربر، گاور قلعه جورقین، قاور قلعه زرچین، قیز قلعه کهلوی پایین، تپه قلاهی کهلوی بالا، تپه سفید شبان، قیز قلعه طراران، و نارنج قلعه جفتان، محوطه حشه، محوطه هفتان و قلعه بابالر و محوطه قزلقاش، پل و میل راهنمای کوره در مسیر راه‌های مواصلاتی مهم که ارتباط تفرش را با نواحی همجوار ممکن می‌سازند قرار دارند. نتایج بررسی براساس آثار سطحی نشان داد که

متر و از کف مسیل آبی که در ضلع شمالی تپه عبور می‌کند ۷ متر است. مساحت آن حدود ۲ هکتار است که شیب دامنه شمالی آن تندتر از بقیه قسمت‌هاست. این محوطه بر بستر آبرفتی و رسوبی ناشی از عبور مسیل شکل گرفته است که عرض این مسیل حدود ۵ متر است و روی این تپه در قسمت جنوبی آن دو حلقه قنات حفر شده است. آثار سفالی حدود ۳۰ تا ۴۰ متری محوطه پراکنده شده‌اند. سفال‌های این قسمت‌ها شبیه سفال‌های قسمت‌های اصلی تپه است (تصویر ۳۷-۳۸).

یافته‌های سطحی این محوطه شامل سفال‌های نخودی و با تمپر شن است که حرارت برای پخت آنها کافی بوده است و چرخ‌ساز است و بعضی از نمونه‌ها خشن است که متعلق به خمیره‌ها و ظروف نگهداری است.

در بررسی محوطه دسته ظروف و سفال‌های با لعاب گلی و بدنه شیاردار به‌دست آمد. علاوه بر



تصویر ۳۴. نمایی از تپه ثمردشت B



تصویر ۳۵. سفال‌های به دست آمده از محوطه ثمردشت B

نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۴۰).

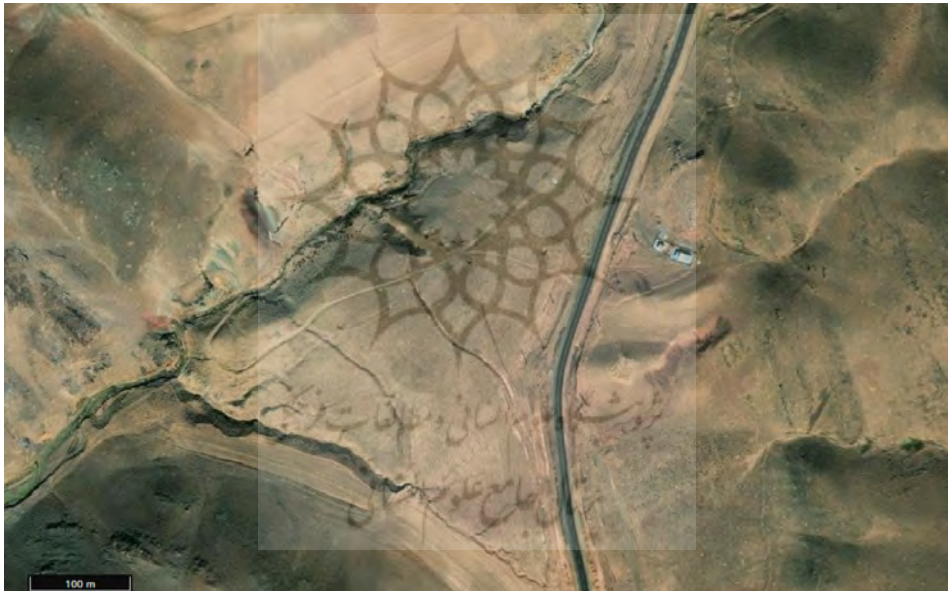
رویدادهای تاریخی

در سال ۲۴۷ پم اشک اول (ارشک) در سرزمین خود یعنی پرنوه اعلام استقلال کرد و اولین گام وی برای کشورستانی، تصرف دو ایالت پارت و هیرکانی بود که این کار موفقیت نظامی بزرگ برای اشک یکم بود (ولسکی، ۱۳۹۳: ۷۹). کشورستانی پارتیان به آهستگی روی می‌داد

این محوطه‌ها متعلق به دوره ساسانی هستند و در دوره‌های بعد نیز همچنان مورد توجه و استفاده بوده‌اند. اما با توجه به موقعیت آنها به احتمال بر آثار دوره اوایل اشکانی ایجاد شده‌اند. زیرا در این محوطه‌ها سفال‌های کلینکی به دست نیامد و فقط سفال‌های ساده معمولی به دست آمد که تشخیص و تمایز آنها از سفال‌های ساده دوره ساسانی تقریباً امکان ندارد. این موضوع در بررسی دیگر محوطه‌ها که هر کدام دارای آثار چندین دوره‌اند،



تصویر ۳۶. تپه سفیدشبان و راه قدیمی فراهان- تفرش



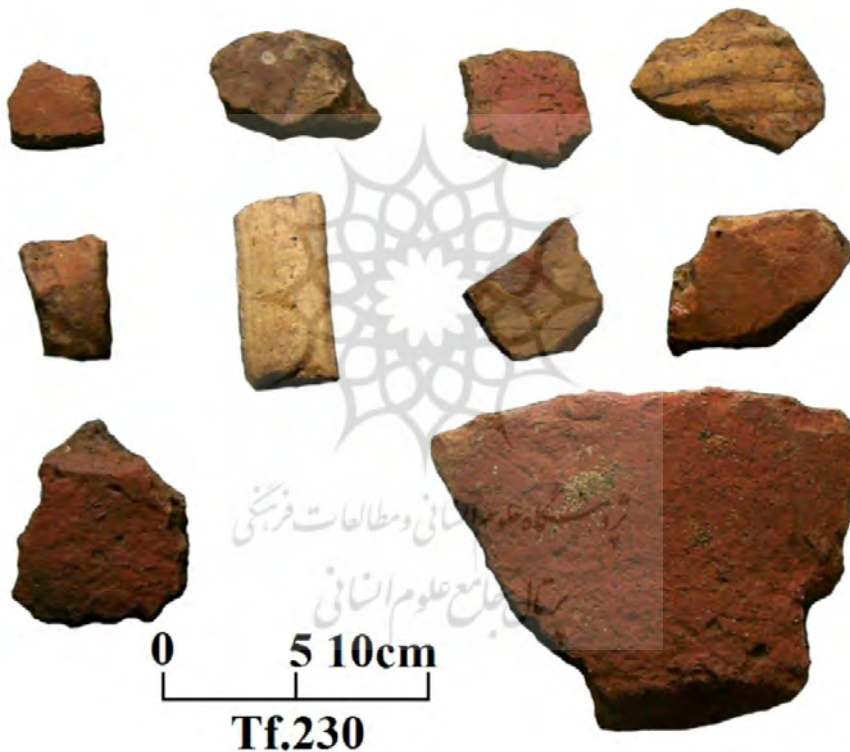
تصویر ۳۷. نمایی از محوطه سفیدشبان و راه قدیمی به فراهان و روستای چال

درازا کشید، در پیکارهای متعدد اشک دوم (۲۱۷-۱۹۱ پم؟) توانست این حمله را دفع کند. اما طی پیمانی فرمانروایی سلوکیان را پذیرفت (ولسکی، ۱۳۹۳: ۲۲۳ و فرای، ۱۳۷۷: ۲۹۲). آنتیوکوس چهارم در سال ۱۷۱ پم همزمان با بر تخت نشستن مهرداد اول (پایه گذار راستین شاهنشاهی اشکانی) در لشکرکشی به شرق ایران ناکام ماند.

و با فراز و نشیب‌های همراه بود. در سال ۲۲۸ پم سلوکوس دوم برای سرکوبی اشکانیان اقدام کرد ولی بر اثر نابسامانی‌های داخلی و مقاومت اشکانیان بدون دستاوردی ناچار به انطواکیه بازگشت و عملاً دست اشکانیان را برای اقدامات دیگر باز گذاشت. بعد وی آنتیوکوس سوم در سال ۲۰۹ پم به شرق لشکرکشی کرد که چند سال به



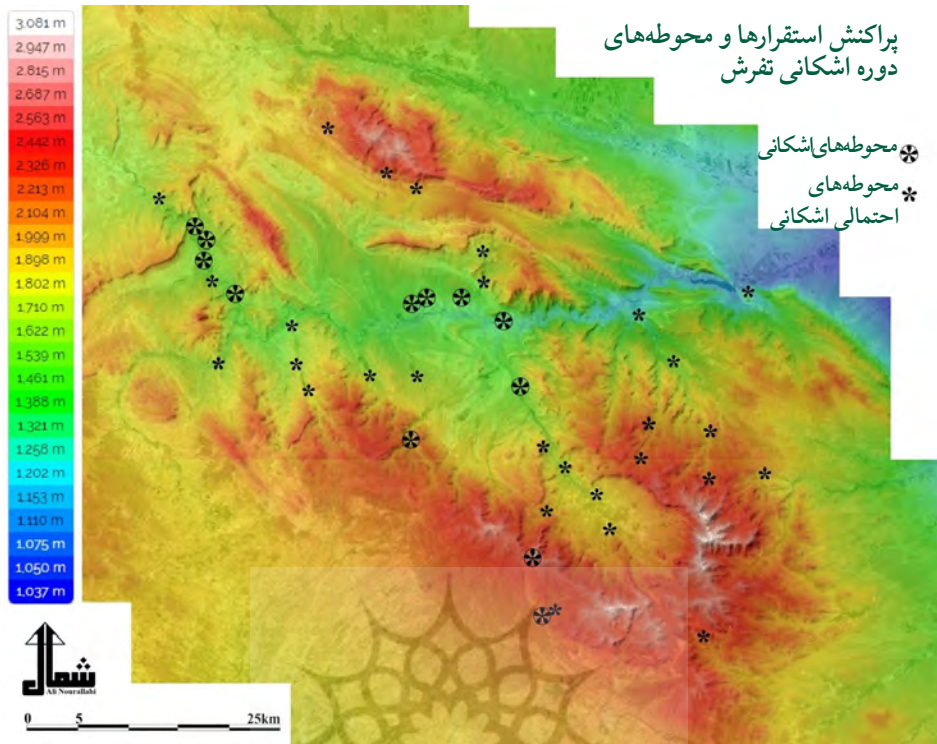
تصویر ۳۸. نمایی از محوطه سفیدشبان



تصویر ۳۸. سفال‌های سطحی محوطه سفیدشبان

به پایتختی برگزیده شد. به هر روی با ضعف ناشی از شکست سلوکیان از رومیان، مهرداد اول در سال ۱۴۸ پ م موفق شد که همدان را از دست آنها خارج کند. پیروزی‌های مهرداد یکم و فتح ماد به معنای دسترسی به بین‌النهرین بود. بنابراین در این

ولی در غرب با تصرف ماد به موفقیت‌هایی دست یافت و همدان یا هگمتانه یه افتخار او ایپفانا (Ephiphaneia) نام گرفت (فرای، ۱۳۷۷: ۲۹۳). در این زمان اشکانیان با سلوکیان همجوار شدند و هکاتوم‌پیلوس یا صد دروازه (شهر قومس)



تصویر ۴۰. محوطه‌های دارای سفال‌های ساده و معمولی احتمالی اشکانی

شهرستان تفرش را می‌توان را در عوامل محیطی-جغرافیایی و عوامل انسانی گروه‌بندی کرد. این عوامل عبارت‌اند از:

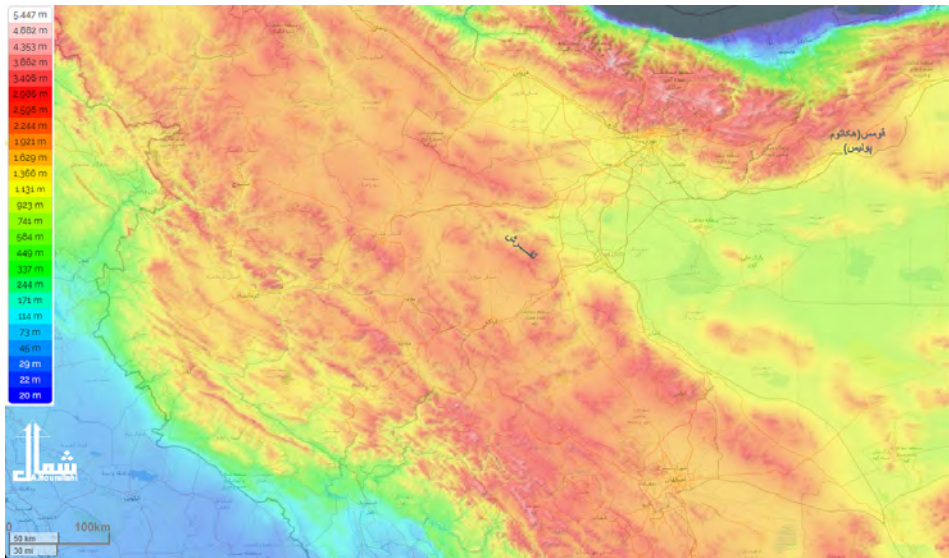
الف: دسترسی به منابع آب: استقرارهای دوره اشکانی در کنار رودخانه قره‌چای و شاخه‌های آن که دارای آب دائمی هستند، شکل گرفته‌اند. تنها محوطه تولک تپه‌سی در میان دره فرک است که منبع آب آن از چشمه دائمی نزدیک آن است. همچنین قلعه‌های متعلق به این دوره در کنار چشمه‌های طبیعی آب ایجاد شده‌اند. برای تأمین آب قلعه‌نشینان از تپه‌های سفالی استفاده کرده‌اند. آثار و بقایای این سیستم آب رسانی امروزه در قلعه گندم کوه و توس نوذر قابل مشاهده است.

ب: ارتفاع زمین از عوامل دیگر مؤثر بر شکل‌گیری استقرارهای این دوره است. با توجه به ارتفاع زیاد

معادلات نظامی و سیاسی منطقه تفرش و همجوار به‌عنوان جبهه‌ای واحد در برابر سلوکیان محسوب شده و به‌احتمال این مناطق در طی این ۲۳ سال (۱۷۱-۱۴۸ پم) نقش سوق‌الجیشی و راهبردی در تهیه تدارکات و پشتیبانی از اشکانیان در برابر سلوکیان داشته‌اند (فرای، ۱۳۷۷: ۲۹۶؛ ولسکی، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۵). بعدها شهرها و ساکنان ماد (کوهستان، پهله، جبال) جایگاه مهمی در حفظ و پشتیبانی از اشکانیان ایفا کردند. نقش حمایتی آنها در پیروزی‌های اشکانیان بر سلوکیان و تثبیت پایه‌های حکومت آنها به‌ویژه هنگام استیلا بر بین‌النهرین تأثیر زیادی داشته است (بنگرید به ولسکی، ۱۳۹۳: ۹۸) (تصویر ۴۱).

عوامل مؤثر در شکل‌گیری استقرارها

عوامل مؤثر در شکل‌گیری استقرارهای اشکانی



تصویر ۴۱. موقعیت تفرش نسبت به قومس و ایالت ماد (پهله-کوهستان)

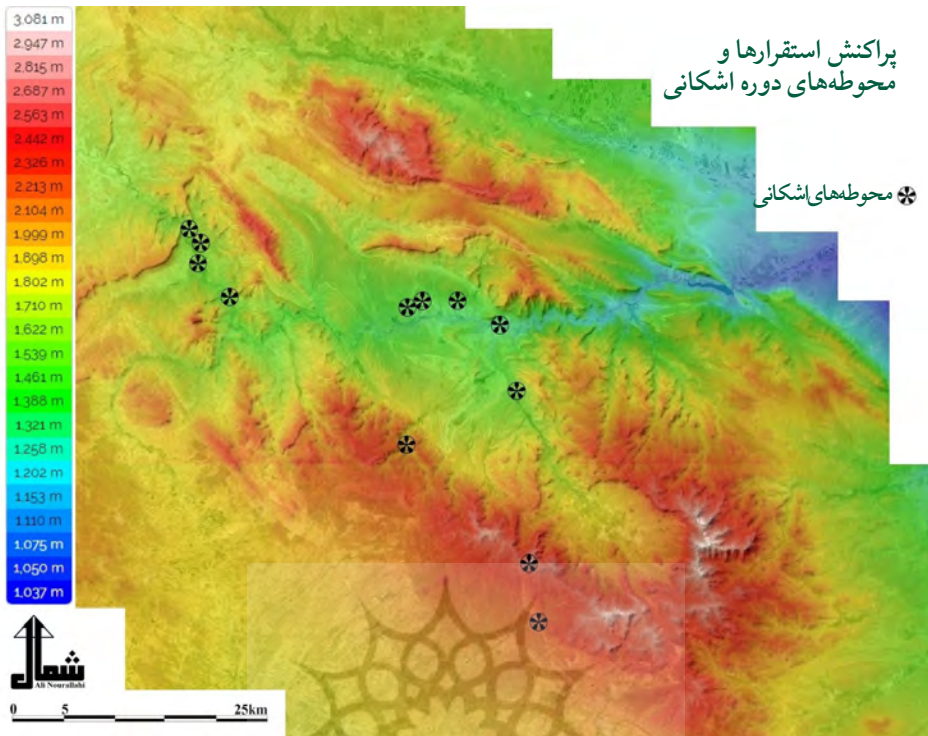
کوره، سس فرن قیه و چهارداغ علاوه بر دیگر عوامل (آب، ارتفاع، زمین‌های قابل کشت) این عامل را نیز در نظر داشته‌اند. در این مسیر امروزه فقط پل دختر کوره (قیزکوره سی) و میل راهنمای نزدیک آن (به گمان بر شالوده اشکانی ایجاد شده‌اند) باقی مانده است که به گمان پل یا پل‌های دیگر به‌ویژه نزدیک محوطه استقراری تجره و مسیر تیزآباد وجود داشته است که بر اثر جریان تند رودخانه قره چای شسته شده‌اند.

ه: دیگر عامل دفاعی و حفاظت از راه‌هاست. برای نگهداری و حفاظت از راه‌ها به‌ویژه در دره‌ها و ارتفاعات کوهستانی قلعه‌های متعددی ساخته شده و بر آنها اشرف داشته‌اند. این قلعه‌ها علاوه بر جلوگیری از نفوذ دشمن به این ناحیه در سایر زمان‌ها تأمین امنیت کاروان‌های مال‌التجاره یا زائران را بر عهده می‌گرفته‌اند. نکته قابل توجه در ساخت این قلعه‌ها این بوده که گونه‌هایی مکان‌یابی شده‌اند که تقریباً به هم دید داشته و در زمان بحران همدیگر را آگاه کرده و در واقع به‌صورت یکپارچه و هماهنگ کار می‌کرده‌اند. این قلعه‌ها از جمله قلعه دختر طاران (قیز قالا)،

و کوهستانی بودن شهرستان تفرش و محدودیت زمین‌های هموار. محوطه‌های استقراری اشکانی در بخش غربی و زمین‌های پست اطراف رودخانه قره‌چای مکان‌یابی شده‌اند.

ج: دسترسی به زمین‌های قابل کشت نیز از دیگر عوامل است. شهرستان تفرش با توجه به اینکه ناحیه‌ای کوهستانی است و در متن‌های تاریخی هم بارها اشاره شده این ناحیه باغ بوم بوده و کشت غلات محدود است. بنابراین محوطه‌های استقراری این دوره در کرانه‌های قره‌چای و در میان زمین‌های رسوبی حاصل خیز برای قابل کشت غلات مکان‌یابی و شکل گرفته‌اند.

د: از دیگر عوامل که به گمان به اندازه دیگر عوامل مؤثر بوده است راه‌های بوده‌اند که از این ناحیه گذشته و ارتباط این ناحیه را با مناطق تجاری و اقتصادی و فرهنگی هم‌جوار را ممکن می‌ساخته‌اند. بررسی نشان می‌داد که در کنار عوامل جغرافیایی و محیطی این عامل انسانی یعنی راه‌ها نیز تأثیرگذار بوده است. چنانچه در مکان‌یابی سفیدشبان، تولک تپه‌سی، تجره، دادقان، ثمردشت B-A و باغ عرب، کوره، و سمنق



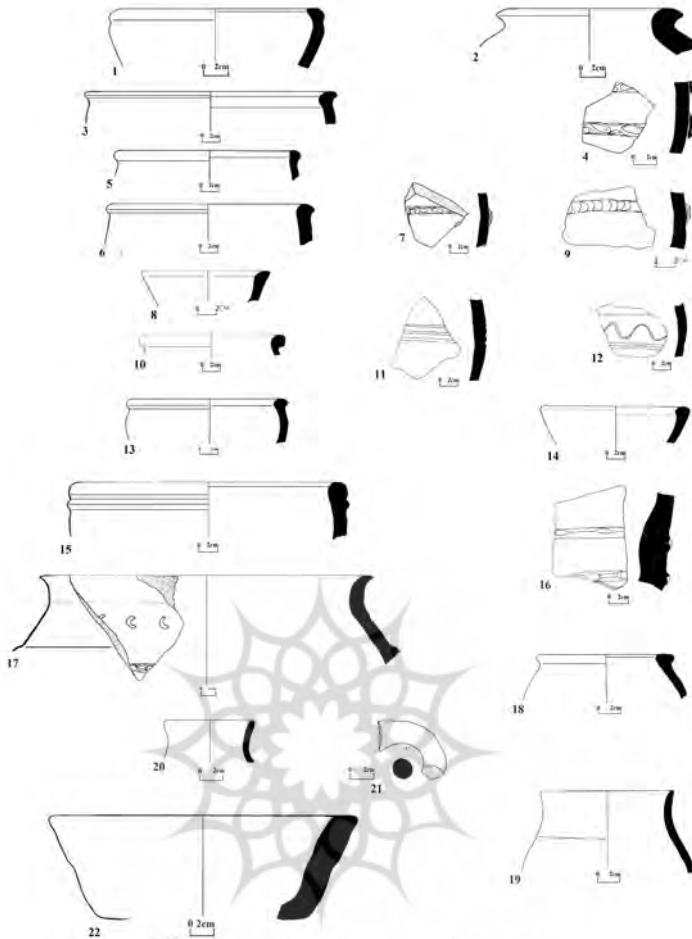
تصویر ۴۲. محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی با سفال کلینکی

از دوره مس‌سنگی، هخامنشی و فراهخامنشی؟ (محوطه سفیدشبان، قلعه چال یا دوبرادران) شکل گرفته‌اند. استقرارها و محوطه‌ها در بخش‌های کوهستانی و کرانه رودخانه قره‌چای و شاخه‌های فرعی آن واقع‌اند. به‌طورکلی محوطه‌های اشکانی شامل محوطه‌های استقرار در کرانه قره‌چای هستند. با توجه به اینکه این منطقه در دوره اشکانی جزو ایالت کوهستان و پهل‌ه بوده و با مناطق اصفهان، همدان، قم، قزوین، اراک (عراق)، محلات (خورهه)، ساوه، فراهان، آشتیان، دلجان، کمیجان و خمین هم‌جوار و دارای مراوده فرهنگی و تجاری و غیره بوده است بنابراین بیشترین این محوطه‌ها و استقرارها در مسیرهای مهم و کرانه‌های قره‌چای مکان‌یابی شده‌اند. مهم‌ترین آنها از نظر وسعت عبارت‌اند از تولک تپه‌سی، تپه تجره، دادقان، تپه و سمنق

سه گوش بازرجان، دربر، گاور قلعه جورقین، قاور قلعه زرچین، قیز قلعه و قلعه سلطان محمود کهلوی پایین، تپه قلاهی کهلوی بالا، قلعه توس نودز، قلعه خرازان، ابره در، جلایر، محوطه حشه، نارنج قلعه جفتان، محوطه هفتان، قلعه بابالر و پل دختر (قیز کورپه‌سی) و میل راهنمای کوره هستند که مسیر و کرانه راه‌های اصلی ارتباطی ساخته شده‌اند. هرچند در بررسی داده‌های شاخص از دوره اشکانی، جز در برخی از آنها به‌دست نیامد، اما به گمان بنیاد آنها به این دوره برمی‌گردد (تصویر ۴۰ و ۴۲).

تحلیل داده‌ها (سفال و معماری)

از دوره اشکانی ۱۲ محوطه استقرار با سفال کلینکی شناسایی و بررسی شد. براساس داده‌های سطحی برخی از این استقرارها بر استقرارهایی



تصویر ۴۳. گزیده‌ای از سفال‌های اشکانی به‌دست آمده از محوطه‌ها

Wenke, 1975/76؛ خسروزاده و عالی (۱۳۸۳) و شمال غرب (عالی و خسروزاده، ۱۳۸۴؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷؛ نوراللهی، ۱۳۹۱، ۱۳۹۵ ج) و شمال (Ki-ani, 1982) و دیگر نواحی (Debevoise, 1934) است. این موضوع نشان دهنده جایگاه تفرش به‌عنوان حلقه اتصال و ارتباطی نواحی جنوبی با نواحی شمالی و همچنین نشانی از تبادلات فرهنگی و غیره است.

سفال‌های کلینکی در دوره اشکانی میانی در جنوب غرب ایران متداول و جانشین سفال منقوش اشکانی شد، به‌نظر می‌رسد که سفال‌های

کوره، تپه چهارداغ که در میان آنها تپه دادقان دارای بیشترین وسعت است (جدول ۲).

سفال‌های اشکانی جمع‌آوری شده از محوطه‌های تفرش قابل مقایسه و مشابه سفال‌های به‌دست آمده از کاوش‌ها و بررسی‌های نواحی همجوار (کمیجان، خمین، محلات، اراک و حوزه دریاچه میقان) (شیرزاده، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸؛ رهبر، ۱۳۸۲؛ علایی، ۱۳۹۶) و شمال شرق، مرکزی (Trinkaus, 1981, 1986) و غرب (آذرنوش و دیگران، ۱۳۹۲؛ نوراللهی، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵؛ شیشه‌گر، ۱۳۸۴؛ کلایس، ۱۳۸۵؛ Keal & Keal, 1981) و جنوب (شیشه‌گر، ۱۳۹۴؛

طنابی، زنجیری و نواری است.

سفال‌های لعاب‌دار: جز در محوطه سس‌فرن قیه که سفال‌هایی به‌دست آمد با لعاب سبز و آبی که صدف گرفته و در بعضی از آنها لعاب ریخته است، در بررسی محوطه‌ها و استقرارهای تولک تپه سی، باغ عرب، سفید شبان فقط تعداد معدودی سفال‌های معمولی که دارای پوشش گلی غلیظ و رقیق بودند به‌دست آمد. به‌نظر می‌رسد لعاب دادن سفال در دوره اشکانی در این منطقه چندان رواج نداشته است. به‌طورکلی سابقه لعاب دادن ظروف سفالی به هزاره اول قبل از میلاد (سده ۷ و ۸ پم) بازمی‌گردد و در دوره هخامنشی اهمیت زیادی داشته است. لعاب دادن سفال‌ها در دوران اولیه اشکانی متداول شده و لعاب سفال‌ها به رنگ‌ها سفید، خاکستری، نقره‌ای، سبز و لجنی رنگ بود و رنگ لعاب‌ها در دوره میانی اشکانی متنوع شد (بنگرید به نوراللهی، ۱۳۹۵: ج ۰: ۲۴۰؛ هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

سفال خاکستری اشکانی: در بررسی سفال خاکستری اشکانی فقط دو قطعه در محوطه کوره به‌دست آمد که چرخ‌سازند و دارای بافت محکم و فشرده‌ای هستند. جان هانسمن و دیوید استروناخ این گونه سفال منطقه شمال شرق (منطقه VI) را به نام سفال خاکستری یا سفال خاکستری تیره توصیف و معرفی کرده‌اند که ژان دهه آن را سفال سیاه نامیده است. این نکته را باید خاطر نشان کرد که تعداد یافته‌های این نوع سفال بسیار اندک و محدود بوده است و فقط درصد ناچیزی از یافته‌های سفالین شهر قومس را تشکیل می‌دهد. بیشتر این سفال‌ها متعلق به ظروف کوچک اندازه هستند و کاسه‌های اندازه بزرگ در میان سفال‌های خاکستری شهر قومس وجود ندارد یا تولید نشده است. فقط تعداد اندکی کوزه بزرگ و خمره ذخیره خاکستری در شهر قومس معرفی شده است (Stronuoch et al, 2019: 194, fig.33-35).

کلینکی نوعی خلاقیت و نوآوری بومی و محلی منطقه غرب ایران بوده و به مرور زمان به مناطق دیگر گسترش یافته است. این نوع سفال در حوزه غرب ایران از سال ۱۵۰-۱۷۰ پم تا اواخر قرن دوم میلادی (۲۵۰ میلادی) کاربری و رواج داشته است. از نظر فنی رنگ سطح داخل و خارج این سفال‌ها نارنجی، قرمز-نارنجی و گاهی خاکستری-قهوه‌ای است، ولی مغز سفال معمولاً خاکستری روشن یا تیره است. آمیزه (Temper) سفال مشهود نیست ولی در بعضی نمونه‌ها می‌توان شن نرم و ماسه نرم را مشاهده کرد. همه این سفال‌ها چرخ‌سازند و شکل منظم و یکنواختی دارند. حرارت برای پخت آنها کافی بوده و بافت محکم و سختی دارند (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۷). تقریباً از همه محوطه‌های استقرار این دوره تفرش این نوع سفال به‌دست آمده است.

سفال‌های معمولی بیشترین تعداد سفال‌ها را تشکیل می‌دهند. برخی از سفال‌های معمولی دست‌سازند و بخشی از ظروف با چرخ ساخته شده‌اند. به‌طورکلی طرح آنها منظم و یکنواخت، با پخت خوب، و خمیر خوب ورز داده شده دارای بافت یکدست و متراکمی هستند، هرچند در میان آنها سفال‌هایی نیز وجود دارد که ترد و شکننده‌اند و بافت متراکم و محکمی ندارند. در خمیره برخی از آنها دانه‌های آهک سفید وجود دارد که مربوط به گلی است که سفال از آن ساخته شده است. گل آنها به رنگ نخودی تا مایل به آجری، و در مواردی خمیر مایل به رنگ نارنجی است و دارای آمیزه ماسه نرم و کاه خرد شده هستند که آثار آن بر سفال‌ها دیده می‌شود. بر سفال‌ها پرداختی انجام نشده است و فقط اثر چرخ سفالگری بر سفال‌ها به‌صورت خطوط موازی یکنواخت دیده می‌شود. پوشش گلی، کم به‌کار رفته است که به‌صورت لایه سفیدی در برخی سفال‌ها دیده می‌شود. تزیینات آنها نیز محدود به نقش برجسته‌های

جدول ۱. توصیف سفال‌های سطحی محوطه‌های اشکانی

شماره	نام	توضیحات (خمیره، تمپر، شیوه ساخت، حرارت، ضخامت، ...)	گاهنگاری
۱	تولک تپه سی	لبه، نخودی مایل به زرد، ماسه نرم، حرارت کافی، چرخ‌ساز، صیقلی، ظریف	اشکانی
۲	تولک تپه سی	لبه، نخودی، شن، حرارت کافی، چرخ‌ساز، خشن	اشکانی
۳	دادقان	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، صیقلی (بیرون ظرف)، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۴	دادقان	بدنه، نخودی، ماسه نرم، حرارت کافی، تزئین با نقش افزوده طنابی، متوسط.	اشکانی
۵	باغ عرب	لبه، کرم، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، پوشش لعاب گلی قرمز غلیظ بیرون و درون، کلینکی، ظریف	اشکانی
۶	باغ عرب	لبه، نخودی، شن، چرخ‌ساز، حرارت کافی، پوشش لعاب گلی کرم، ساده، متوسط.	اشکانی
۷	باغ عرب	بدنه، نخودی، ماسه نرم، حرارت زیاد (در اثر حرارت زیاد پوسته به رنگ قهوه ای شکلاتی)، تزئین با نقش افزوده زنجیری، کاربرد روزمره	اشکانی
۸	محوطه کوره	لبه کاسه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، ظریف	اشکانی
۹	محوطه کوره	بدنه، نخودی، شن، حرارت کافی، تزئین با نقش افزوده طنابی، خشن.	اشکانی
۱۰	سس فرن قیه	لبه، نخودی، ماسه، چرخ‌ساز، حرارت کافی، ظریف	اشکانی
۱۱	سس فرن قیه	بدنه، نخودی، شن، حرارت کافی، تزئین با نقش کنده، متوسط.	اشکانی
۱۲	سس فرن قیه	بدنه، نخودی، ماسه، حرارت کافی، تزئین با نقش کنده، متوسط.	اشکانی
۱۳	چهارداغ	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۱۴	چهارداغ	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، پوشش لعاب گلی غلیظ، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۱۵	تپه تجره	لبه نخودی شن، چرخ‌ساز، حرارت کافی، تزئین نقش برجسته زیر لبه، خشن	اشکانی
۱۶	تپه تجره	بدنه، نخودی، شن، حرارت متوسط، تزئین با نقش برجسته طنابی، خشن.	اشکانی
۱۷	ثمردشت A	لبه، نخودی، شن، چرخ‌ساز، حرارت کافی، تزئین نقش کنده ناخنی با نقش افزوده طنابی روی بدنه، خشن	اشکانی
۱۸	ثمردشت A	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۱۹	ثمردشت A	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، صیقلی، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۲۰	ثمردشت B	لبه، نخودی، ماسه نرم، چرخ‌ساز، حرارت کافی، ظریف (کلینکی)	اشکانی
۲۱	ثمردشت B	دسته ظرف (کلینکی)	اشکانی
۲۲	محوطه سفید شبان	لبه با کف (کاسه بزرگ)، قرمز آجری، شن، چرخ‌ساز، حرارت کافی، خشن	اشکانی

محوطه‌های این دوره مانند تجره، باغ عرب و ثمردشت B نشان می‌دهد که ساخت سفال و به‌احتمال فعالیت‌های چون فلزگری در خود محوطه‌ها انجام می‌گرفته است. اما در مورد سفال‌های کلینکی ما نمی‌دانیم آیا در خود محل تولید شده‌اند یا وارداتی هستند (تصویر ۴۳).

به گمان وجود این گونه سفال در محوطه کوره، مرتبط با راهی زیارتی و تجاری است که از کنار این محوطه گذشته، با گذر از پل دختر و سمسق به آتشکده معروف فردقان (فردگان) می‌رسد. براساس قطعات جوش کوره و دفرمه شدن برخی از سفال‌های معمولی به‌دست آمده از

به سمت غرب و تلاش آنها برای تسلط بر ماد (کوهستان، پهل و بعدها جبال) ناحیه تفرش از نقاط کلیدی بوده که اشکانیان برای نیل به هدف خود یعنی تسخیر و تسلط بر ماد و بین‌النهرین در ابتدا به آن توجه کرده‌اند. به‌ویژه آنکه شهر قومس به این منطقه نزدیک بوده و راه‌هایی که از این ناحیه به ماد و همدان می‌رسیده کوتاه‌ترین مسیر بوده‌اند. استقرارها و محوطه‌های اشکانی تفرش به دو دسته تقسیم می‌شوند. استقرارهایی که در کرانه رودخانه قره‌چای مکان‌یابی و شکل گرفته‌اند. این محوطه‌ها مربوط به روستاها و محوطه‌های استقرار می‌باشند. دیگر آثار و محوطه‌هایی که در ارتفاعات کوهستانی قرار دارند، شامل قلعه‌های هستند که بر کناره و مشرف بر راه‌هایی تفرش به نواحی دور و نزدیک همجوار ساخته و نظارت داشته‌اند.

در متن‌های تاریخی از روستاهای زیادی در تفرش در سده‌های اول هجری نام برده شده است که امروزه جز معدودی از آنها بقیه نمانده‌اند. اگر بپذیریم تعدادی از این روستاها بر بنیاد روستاهای دوره‌های پیش یعنی اشکانی و ساسانی بنیان گذاشته شده‌اند، می‌توان گفت در این دوره تفرش جایگاه تعیین‌کننده‌ای داشته و از مناطق مورد توجه بوده است. چنانچه در بررسی ۱۲ استقرار به‌طور قطع مربوط به این دوره شناسایی شد که دارای سفال کلبیکی و معماری شاخص این دوره هستند. با توجه به مکان‌گزینی و موقعیت تعدادی از قلعه‌ها و آثار دیگر -متعلق به دوره ساسانی- آنها به گمان بر بنیاد دوره اشکانی ساخته شده‌اند زیرا از نظر مکانی و فضایی ارتباط تنگاتنگی با استقرارهای این دوره دارند. دیگر اینکه سفال‌های ساده دوره اشکانی در این محوطه‌ها به‌دست آمده که نمی‌توان آنها را به سادگی از سفال‌های ساسانی متمایز کرد.

معماری دوره اشکانی شامل سازه‌های خشتی و لاشه‌سنگ و گچ‌نیمکوب است. معماری خشتی فقط در محوطه تولک تپه‌سی شناسایی شد که شامل خشت‌های بزرگی به ابعاد $۴۹ \times ۲۶ \times ۱۰$ - $۴۸ \times ۱۴ \times ۱۰$ ؛ $۴۰ \times ۲۰ \times ۱۰$ ؛ $۴۰ \times ۲۶ \times ۱۰$ ؛ $۳۸ \times ۳۸ \times ۱۰$ سانتی‌متر است (برای مقایسه بنگرید به نوراللهی، ۱۳۹۶: جدول ۲). در دیگر محوطه‌ها مانند تپه دادقان و تجره، باغ عرب، ثمردشت A و B، تپه چهارداغ، محوطه کوره، تپه و سمنق کوره، سس‌فرن قیه، سفیدشبان به‌نظر می‌رسد از مصالحی بوم‌آورد چون لاشه‌سنگ خشک‌چین یا با ملات گل و خشت و چینه برای ساخت بناها استفاده کرده‌اند.

برآیند

ناحیه کوهستانی تفرش در حاشیه غربی گذرگاهی واقع شده که نواحی شمال و شمال شرقی و شمال غربی را به نواحی مرکزی (استان مرکزی، اصفهان) و جنوب (فارس و کرانه‌های خلیج فارس) و جنوب شرق (کرمان و مناطق همجوار) وصل می‌کرده است. این گذرگاه که بر حاشیه کویر قرار داشته جایگاه مهمی در معادلات سیاسی و تجاری و فرهنگی داشته است. علاوه بر این، شهرستان کوهستانی تفرش حد فاصل دشت‌های فراهان، آشتیان کمیجان با دشت ساوه و نواحی همدان و قزوین بوده است که در زمان‌هایی به‌علت ناامنی ناشی از بحران‌های سیاسی و غیره جایگزین مطمئنی برای گذرگاه اصلی بوده و راه‌های کوهستانی اهمیت زیادی پیدا می‌کردند، زیرا راه‌ها در پناه کوهستان‌های سخت و غیرقابل عبور و کوتاه بودن مسیرهای آن جایگزین مطمئن‌تری بوده‌اند. به گمان در دوره اشکانی با پیشروی آنها

۱ هرچند اندازه آجرها و خشت‌ها برای تاریخ‌گذاری یک بنا شاید تا حدودی گمراه‌کننده باشد اما با توجه با تاریخ‌گذاری‌های مطلق که در برخی محوطه‌ها از جمله هگمتانه انجام شده و همچنین سفال‌های کلبیکی -که شاخص دوره اشکانی هستند- در این بنا به‌دست آمده این خشت‌ها متعلق به این دوره هستند.

جدول ۲. محوطه‌ها و قلعه‌های دوره اشکانی شهرستان تفرش

ردیف	نام محوطه	شماره بررسی	دهستان	مختصات	ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت (هکتار)	ارتفاع محوطه (متر)	دوره
۱	تولک تپه سی	Tf.204	بازرجان	N ^{59.63'34°45} E ^{58.84'49°47}	۱۸۷۳	۳	۱۰	اشکانی
۲	محوطه کوره	Tf.207	رودبار	N ^{36.14'34°53} E ^{23.73'49°36}	۱۴۵۶	۴	۲	اشکانی
۳	سس فرن قیه	Tf208	رودبار	N ^{3.68'34°56} E ^{4.07'49°35}	۱۵۳۳	۸	۴۰	اشکانی، ساسانی
۴	تپه چهار داغ	Tf.210	رودبار	N ^{38.07'34°56} E ^{22.30'49°34}	۱۵۱۴	۳/۵	۱۵	اشکانی
۵	تپه دادقان	Tf.213	بازرجان	N ^{39.14'34°48} E ^{37.98'49°54}	۱۴۵۷	۵	۷	اشکانی
۶	تپه تجره	Tf.215	رودبار	N ^{7.32'34°52} E ^{33.04'49°53}	۱۳۰۲	۴/۱	۱۰	اشکانی- اوایل ساسانی
۷	باغ عرب	Tf.221	رودبار	N ^{51.51'34°52} E ^{4.10'49°50}	۱۳۴۳	۰/۶	۱/۵	اشکانی
۸	تپه نمردشت A	Tf222	رودبار	N ^{44.81'34°52} E ^{4.62'49°49}	۱۳۳۷	۱/۱	۵	اشکانی
۹	تپه نمردشت B	Tf.223	رودبار	N ^{45.92'34°52} E ^{7.02'49°49}	۱۳۳۸	۲	۶	اشکانی
۱۰	محوطه سفیدشبان	Tf.230	کوهپناه	N ^{42.98'34°36} E ^{16.96'49°56}	۲۲۴۷	۳	۷	مسن سنگی- اشکانی
۱۱	تپه سفیدشبان	Tf273	کوهپناه	N ^{50.81'34°37} E ^{45.95'49°57}	۲۳۸۶	۲	۸	اشکانی- ساسانی
۱۲	قلعه دوبرادران	Tf.274	کوهپناه	N ^{57.11'34°39} E ^{48.80'49°55}	۲۹۰۵	۰/۸	۱/۵	هخامنشی، سلوکی؟، اشکانی- اسلامی (قاجار)
۱۳	تپه و سمسق کوره	Tf.283	رودبار	N ^{53.23'34°54} E ^{5.86'49°35}	۱۴۹۴	۶	۱۵	اشکانی- ساسانی- اسلامی

کتابنامه

الف) فارسی

- آذرنوش، مسعود، علی شریفی، آصف نوروزی. (۱۳۹۲). «معرفی و طبقه‌بندی سفال‌های اشکانی به‌دست آمده از کاوش‌های دور دوم تپه هگمتانه (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵)»، در مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ شهر همدان به مناسبت یکصدمین سالگرد کاوش در همدان، به‌کوشش علی هژبری، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری: ۱۷۳-۱۸۹.
- آیتی، عبدالحسین. (۱۳۲۱). هوگوی ایرانی (نخستین پرواز بشر)، بی‌جا، یزد.
- ابن خردادبه، عبدالله بن عبدالله (۱۳۷۱). المسالك والممالك، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه فرهنگی خنفاء.
- استرابو. (۱۳۸۱). جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات افشار: ۵۰-۵۱.
- بی‌نا. (۱۳۶۲). حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به‌کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- پوربخشنده، خسرو. (۱۳۷۶). بررسی و شناسایی باستانشناسی آشتیان و تفرش علیا، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی. (۱۳۸۲). کاوش‌های باستان‌شناسی خوره، تهران: انتشارات پایزنه.
- شیشه‌گر، آرمان. (۱۳۸۴). گزارش کاوش محوطه سرخ دم لکی کوه‌دشت لرستان، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- شیشه‌گر، آرمان. (۱۳۹۴). «گزارش کوتاه کاوش فصل دوم در گورستان اشکانی جوبجی دهپور»، گزارش‌های چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی، ۱۶ تا ۱۸ اسفند ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- شیرزاده، غلام. (۱۳۸۸). بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان خمین، اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی.
- شیرزاده، غلام. (۱۳۸۶). بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان کمیجان، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- شهرابی فراهانی، محمدحسین. (۱۳۹۷). قلاع و استحکامات کوهستانی شهرستان تفرش، مطالعه موردی قلعه توس بن نوذر شاه، دانشگاه شهکرد (منتشر نشده).
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۷۷). میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). تاریخ قم، مترجم حسن بن علی قمی، مصحح جلال‌الدین تهرانی، تهران: انتشارات توس.
- علایی‌قدم، جواد. (۱۳۹۶). بررسی باستان‌شناسی شهرستان اراک و حوضه آبریز دریاچه میقان، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
- کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات هیرمند.
- کریستین‌سن، اوتور امانوئل. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغبیدی، تهران:
- صداي معاصر.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۷). گورخمره‌های اشکانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلایس، ولفرام. (۱۳۸۵). محوطه معروف به دامنه پارتی، در بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، توسط ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- گاردان، کنت‌آلفرد دو. (۱۳۶۲). مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات نگاه.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ تاریخ قاجاریه: از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلی‌شاه، (جلد ۱)، به اهتمام جمشید کیاافر، تهران: انتشارات اساطیر.
- خسروزاده، علیرضا و عالی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان زنجان». در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، توسط مسعود آذرنوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی: ۴۵-۷۰.
- خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی. (۱۳۸۴). توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره سلوکی و اشکانی و ساسانی، در بررسی‌های باستان‌شناسی میاناب شوشتر، به‌کوشش عباس مقدم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی: ۱۶۴-۱۶۵.
- نوراللهی، علی. (الف). «بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانق در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه»، ایران ورجاوند، سال ۳، شماره ۵: ۴۷-۷۴.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۹). «جایگاه و کارکرد آتشکده نویس تفرش از دیدگاه تاریخی و باستان‌شناختی»، رازان، شماره ۱۳: نوراللهی، علی. (۱۳۹۸). «بررسی باستان‌شناسی مساجد و تکایای شهر تفرش»، رازان، شماره ۷: ۹۳-۱۱۲.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل بقایای معماری و آجرهای اشکانی محوطه تشویر طارم زنجان»، فصلنامه اثر، شماره ۷۶: ۸۹-۱۰۱.
- نوراللهی، علی. (الف). «سنگ نگاره‌های یازلی چای، گندم کوه و زاغرم»، دیار، سال ۱، شماره ۱: ۸۵-۱۱۳.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۵). «کاوش باستان‌شناسی محوطه اشکانی تشویر طارم استان زنجان»، فصلنامه دیار، سال ۱، شماره ۲: ۱۵۳-۲۰۷.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناختی قلعه تنگ قیر شهرستان چرداول ایلام در غرب زاگرس مرکزی»، ایران‌نامگ، سال ۱، شماره ۱: ۲۱۴-۲۴۴.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۴). «گزارش گمانه‌زنی ترانسه A، محوطه کنار جاده‌ای تشویر شهرستان طارم استان زنجان (تابستان ۱۳۸۹)»، فصلنامه باستان‌شناسی ایران، شماره ۹: ۴۰-۶۵.
- نوراللهی، علی، سارا علیلو. (۲۰۱۶/۱۳۹۵). «پژوهشی در بناهای آرامگاهی شهرستان تفرش»، فصلنامه دیار، شماره ۲: ۳۰-۷۰.
- نوراللهی، علی. (۱۳۹۱). «مقایسه بنای ملاحسن کاشی با بناهای

- ۳۷-۳۹. یعقوبی، ابن واضح. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، جلد ۱، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ونکه، رابرت. (۱۳۸۱). «غرب ایران در دوره پارت-ساسانی: تغییر شاهنشاهی»، باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- ویسهوفر، ژوزف. (۱۳۷۸). ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، تهران: انتشارات ققنوس.
- آرامگاهی شهرستان تفرش در استان مرکزی»، فصلنامه فرهنگ زنجان، شماره ۳۴-۳۵: ۴۷-۷۹.
- نوراللهی، علی. (۱۳۸۶). گزارش بررسی و شناسایی باستانشناختی بخش مرکزی شهرستان تفرش استان مرکزی، مجلد اول و دوم، بایگانی میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی (منتشر نشده).
- مارکوارت، یوزف. (۱۳۷۳). ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات:
- ب) نافرسی**
from Seleucia on the Tigris, University of Michigan Press.
- Wenke, Robert. (1975-76). "Imperial investments and agricultural developments in Parthian and Sasanian, Khuzestan: 150 B.C. to A.D. 640", *Mesopotamia*, 10-11, pp.31-221.
- Kleiss, Wolfram. (1999). "Der Chahartaq von Navis im Bergland von Tafresh", in: *The Iranian World, Presented to Ezat O. Negahban*, Eds. by: A. Alizadeh, S. Malek Shahmirzadi, Y. Majidzadeh, Teheran, Nashr I Daneshgahi, pp. 200-209.
- Priestman, Seth M.N. (2013). "Sasanian Ceramics from the Gorgan Wall and Other Sites on the Gorgan Plain," In Sauer, E. W., Rekaevandi, H.O., Wilkinson, T.J. et al. 2013: *Persia's Imperial Power in Late Antiquity: The Great Wall of Gorgan and the Frontier Landscapes of Sasanian Iran* (British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series), Oxbow: Oxford, 447-534
- Kennt, D. (2004). *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-khaimah (ebook version). Classification chronology and analysis of trade in the western indian ocean*. Durham university.
- Trinkaus, Kathryn Maurer. (1981). *The Partho-Sasanian Northeast Frontier: Settlement in the Damghan Plain, Iran*, a Dissertation in Anthropology of the University of Pennsylvania.
- Trinkaus, Kathryn Maurer. (1986). "Pottery from the Damghan Plain, Iran: Chronology and Variability from the Parthian to the Early Islamic Periods", *Studia Iranica*, Vol. 15, No. 1, Pp.23-88.
- Stronach, D. (1978). *Pasargadae. A report on the excavations conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961 to 1963*. Oxford: Clarendon Press.
- Stronach, Ruth, David Stronach, Alan Farahani & Alison Parsons. (2019). "Mid-Parthian Pottery from Building V at Shahr-i Qumis", *Iran*, Vol. 57, No. 2, pp. 185-234.
- Schmidt, E. F. (1957). *Persepolis II: Contents of the treasury and other discoveries. OIP 69*. Chicago: University of Chicago.
- Kiani, M. Y. (1982). *Parthian sites in Hyrcania: The Gurgan plain*. AMI, Erganz. bd. 9. Berlin: D. Reimer.
- Whitcomb, D.S. (1985). *Before the Roses and Nightingales: Excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Keall, E. J., and M. J. Keall. (1981). "The Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach.", *Iran*, Vol. XIX, pp.33-80.
- Muscarella, O. (1988). *Bronze and Iron, Ancient Near Eastern Artifacts in the Metropolitan Museum of Art, New York*. (New York, 1988).
- Lamberg-Karlovsky CC. (1970). *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, Progress Report I. Cambridge: American School of Prehistoric Research.
- Lecomte, Olivier. (1987). la ceramique sassanide, in Fouilles de Tureng Tepe I, (sous la direction de Jean Deshayes) 1. Les périodes sassanides et islamiques par Rémy Boucharlat et Olivier Lecomte, avec les contributions de Jean-Claude Gardin et Rika Gyselen, pp.93-121.
- Debevoise, Neilson Caryl. (1934). *Parthian Pottery*

An Archaeological Survey of Parthian Settlements in Qarachai basin, Tafresh county, Markazi Province

Ali Nourallahi¹ 

Abstract

The central part of Tafarsh is a mountainous area surrounded by mountains. This area is located next to the north-south highway that passes through the Kavir desert edges. In different historical and perhaps prehistoric eras, it has been an opinion; It has given a special position to this area. In the Parthian period, this area is believed to be one of the first areas. This was noticed after the advance of the Parthians to the west and on the eve of the conquest of Media because this difficult-to-pass area as a natural fortress could provide the necessary fields for military supplies and preparations during crises. In this area, several settlements and sites related to this period were studied and investigated. Its results show that these sites were created on the banks of the Qarachai River and its tributaries and on the side of the mountain roads that connect this area to other areas or pass through this area. The study of pottery, along with other factors, also shows the cultural and commercial relations and the importance of this region in these exchanges as a communication and strategy link. Generally, I have tried in this article. First, I will discuss the situation of the Parthian period and the historical geography of Tafarsh from the archaeological and historical perspective. Then to the areas belonging to this period, which include the settlement (village) and the castle. In the following, I have discussed the historical developments of the Parthian period in which these areas played a role, as well as the effective factors in the formation and location of the areas and the analysis and comparison of the surface and architectural findings obtained. the end , have tried to provide a conclusion of them.

Keywords: Parthian Settlements, Common Ware, Clinky Ware, Qarachai River, Tafresh county, Markazi Province.

¹ PhD of Archaeology, Iran.  alinorallahy@yahoo.com

Article info: Received: 28 August 2022 | Accepted: 25 November 2022 | Published: 1 January 2023

Citation: Nourallahi, Ali. (2023). "An Archaeological Survey of Parthian Settlements in Qarachai basin, Tafresh county, Markazi Province". *Ancient Iranian Studies*, Vol. 1 (4): 3-39.

<https://doi.org/10.22034/AIS.2023.385107.1033>